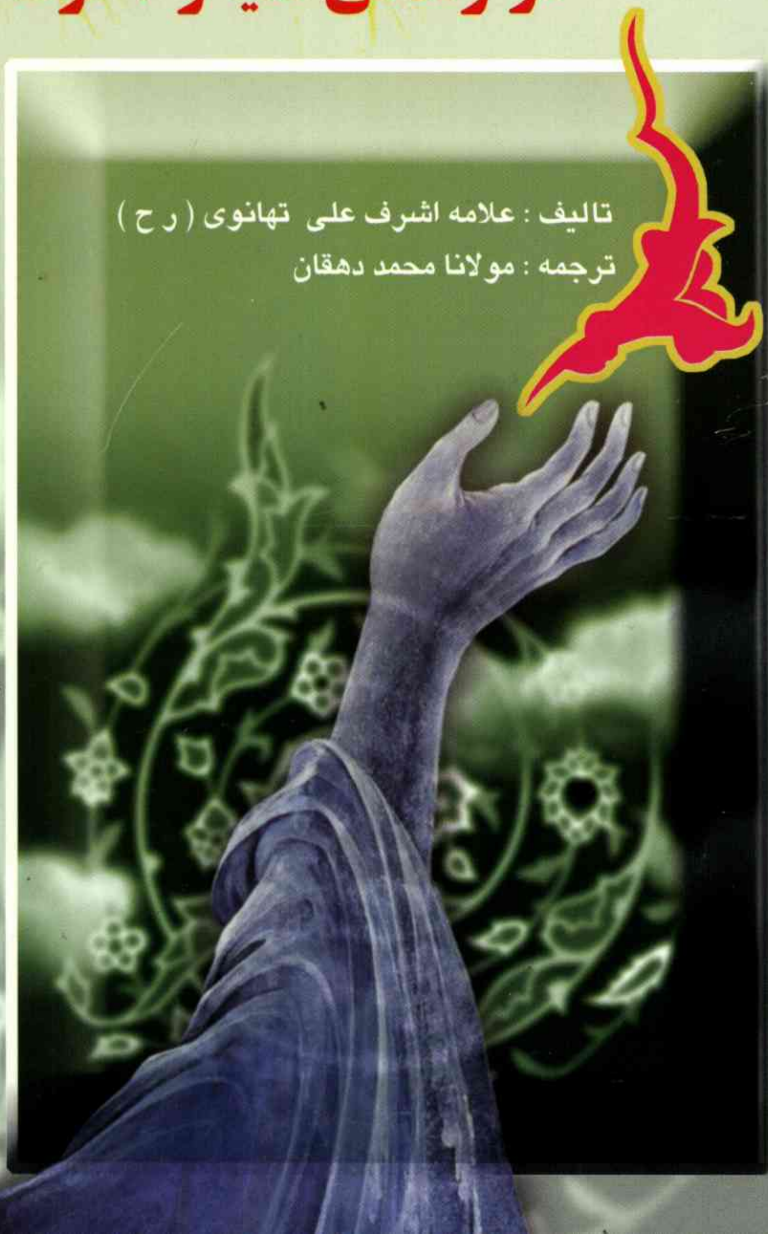
نقش اعمال

ویژه اهل سنت

در زندگی دنیا و آخرت



تالیف : علامه اشرف علی تهانوی (ر ح)
ترجمه : مولانا محمد دهقان

نقش اعمال

در زندگی دنیا و آخرت

تألیف: علامه اشرف علی تهانوی

ترجمه: مولانا محمد دهقان

تهانوی، اشرفعلی، ۱۸۶۸ ـ ۱۹۴۳م.
نقش اعمال در زندگی دنیا و آخرت/ تألیف اشرف علی تهانوی؛ ترجمه محمد دهقان. ـ
مشهد: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۳.
۹۰ص.
ISBN:964-7701-96-7
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی: جزاء الاعمال.
فارسی ـ عربی.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. اخلاق اسلامی. ۲. گناه(اسلام) ـ احادیث. الف. دهقان، محمد، مترجم. ب. عنوان.
۴۰۴۱ ج۸۸ت/ ۲۴۸ BP ۲۹۷/۶
۱۳۸۳
کتابخانه ملی ایران ۳۶۵۰۳ ـ ۸۲ م



نقش اعمال در زندگی دنیا و آخرت

نویسنده : علامه اشرف علی تهانوی (رحمة)

ترجمه : مولانا محمد دهقان

ناشر : شیخ الاسلام احمد جام

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : دوم ۱۳۸۸

چاپخانه : دقت (خط) ۳۱۲۵۰۵۲

قیمت : ۹۰۰ تومان

شابک : ۹۶۴-۷۷۰۱-۹۶-۷

تلفن: ۲۲۲۴۴۷۱ - ۲۲۲۵۲۳۸ - ۰۵۲۸

فهرست مطالب



گفتار نخست

پس ازستایش حق و درود بر نبی برحق:

انسان‌ها هماره خواهان سعادت و خوشبختی بوده و هستند و برای رسیدن به این هدف بزرگ به راهکارها و برنامه‌های گوناگون متوسل شده‌اند ولی ره به جایی نبرده‌اند، زیرا این تدابیر و برنامه‌ها الهی نبوده و مبتکران آنها فقط بعد مادی را در نظر داشته از جنبه معنوی غافل مانده‌اند.

آنان نقش اعمال را در زندگی نادیده انگاشته و فکر کرده‌اند اعمال (اعم از نیک و بد) در زندگی دنیا هیچ نقشی ندارند و پاداش و کیفر، منحصر به جهان دیگر است و بس. غافل از اینکه جهان هستی روی برنامه دقیقی استوار است و نمی‌توان عملکرد انسان را بی تأثیر دانست.

با مطالعه تاریخ ملل گذشته که قرآن کریم آن را به خوبی ترسیم نموده است می‌توان دریافت که نخستین نتایج اعمال، در دنیا انعکاس می‌یابد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَ لَو اَنَّ اَهلَ القُریٰ آمنوا واتَّقَوا لَفَتَحنَا عَلَیهِم بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالاَرضِ وَ لٰکِنْ کَذَّبوا فَاَخَذْنَاهُم بِمَا کَانوا یَکسِبُونَ﴾[1]

۱- اعراف: ۹۶

اگر ساکنان شهرها و آبادی‌های (نابود شده) ایمان مـی‌آوردند و تـقوی پـیشه مـی‌کردند درهـای بـرکات آسـمان وزمـین را بـر آنـها می‌گشودیم، ولی آنان پیامبران و آیات خدا را تکذیب کردند ما هم آنها را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

نیز می‌فرمایند: زندگی پاکیزه و خوشبختی در گرو ایمان و عـمل صالح است:

﴿مَن عَمِلَ صَالِحاً مِن ذَکَرٍ او اُنـثیٰ وَ هُـو مُـؤمِنٌ فَـلَنُحِیِیَنّه حَـیٰوةً طَیبةً﴾[1]

هر کس عمل صالح انجام دهد، اعم از مرد و زن به او زندگی پاکیزه می‌بخشیم و آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند پاداش خواهـیم داد.

از آیات بالا نتیجه می‌گیریم که رمز خوشبختی و رستگاری دنیا و آخرت در اجرای دستورهای الهی و موازین شرع متین و پیروی از سنن نبوی نهفته است.

پس باید به سوی خدا بازگشت و سر بر آستان عبودیت او سایید. زیرا او پوزش‌پذیر است آنگونه که خود می‌فرماید:

﴿ثُمَّ اِنَّ رَبَّکَ لِلَذِینَ عَمِلُوا السّوءَ بِجَهالةٍ ثُم تَابوا مِن بَـعدِ ذَالکَ وَ اَصْلَحوا اِنَّ رَبَّکَ مِن بَعدِهَا لَغفورٌ رَحِیم﴾[2]

همانا پروردگارت برای کسانی که به نادانی اعمال بد انجام داده‌اند و سپس توبه کرده‌اند و اعمال خود را اصلاح نموده‌اند آمرزنده و مهربان

۱- نحل: ۹۷ ۲- نحل: ۱۱۹

است.

رساله حاضر یکی از تألیفات ارزنده دعوتگر و مصلح نامی، علامه اشرف علی تهانوی است. مؤلف در این نوشتار از قرآن و سنت ثابت نموده است که پاداش و کیفر اعمال منحصر به جهان آخرت نیست، بلکه اعمال، در دنیا نیز زندگی انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهند و طبعاً خوشبختی یا بدبختی می‌آفرینند.

ترجمه فارسی این اثر گرانبها به قلم والد گرامی و مربی روحی و جسمی بنده، ناظم و استاد حوزه علمیه عین العلوم گشت انجام شده است، ایشان این کتاب را سالها قبل برای دروس اخلاقی روزانه که برای طلاب و عموم مردم برگزار شده است، ترجمه نموده‌اند. حال که به چاپ و نشر آن مصمم شدیم، ایشان به علت اینکه عمل جراحی در چشمشان صورت گرفته بود نگارش مقدمه را به حقیر واگذار نمودند، لذا جهت امتثال امر این چند سطر قلمی شد.

امید است که این خدمت ارزنده مورد قبول حق قرار گیرد و جزء حسنات مؤلف و مترجم به حساب آید.

عبدالقادر سراوانی ـ عفاالله‌عنه ـ
۱۴۲۴/۱۰/۲۵ هـ

بسمه تعالی

مقدمه مؤلف

الحمدلله الذی تجلب النعم بطاعته والنقم بمعصیته والصلوة والسلام الاتمان الاکملان علی سیدنا محمد نبیه الذی جعل العز لمن والاه والذی جعل الذل والهوان علی من عاداه و علی آله و اصحابه الذین اتبعوه فی المنشط والمکره والیسر والعسر رضی الله تعالی عنهم و وفقنا للتأسی بهم.

امروزه اغلب مردم نسبت به طاعات و عبادات سستی و غفلت نشان می‌دهند و بی باکانه به گناه و معصیت سرگرم هستند، به نظر بنده بزرگترین عامل این پدیده این است که پاداش اعمال را اعم از نیک و بد، فقط به آخرت، منحصر دانسته‌اند و فکر نمی‌کنند که برخی از آثار و نتایج گناهان در دنیا نیز آشکار می‌گردد و از آنجا که اعمال بر روان فرد، تأثیر می‌گذارند، پاداش و کیفر دنیوی زودتر دامن گیر انسان می‌شود و سپس در مرحله دوم، نوبت به کیفر آخرت می‌رسد. عموم مردم رابطه قوی و تنگاتنگی را که بین مؤثر و اثر و سبب و مسبب وجود دارد، نادیده می‌گیرند و فکر می‌کنند که حوادث جهان بدون هیچ عاملی خود بخود صورت می‌گیرد، هر که را بخواهند بی جهت شکنجه و مجازات می‌کنند و هر که را بخواهند نعمت و ثروت می‌بخشند. و گویا اعمال در این رابطه هیچ نقشی ندارند[1] حال آنکه این پندار، خلاف آیات و

۱- اگر کسی بگوید که در حدیث آمده است که هیچکس بوسیله عمل خویش به

احادیث صحیح است چنانکه در آینده توضیح خواهیم داد.

اینجا بود که برای رفع این توهم، دو نکته مهم و اساسی به ذهنم رسید، نخست اینکه ازکتاب و سنت و آثار علمای محقق ثابت کنیم که همانگونه که اعمال در آخرت مستوجب پاداش و کیفر هستند، در دنیا نیز زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نکته دوم اثبات این حقیقت است که میان اعمال و نتایج اخروی، رابطه قوی و تنگاتنگ وجود دارد و همانگونه که به امر خدا آتش می‌سوزاندو غذا انسان را سیر می‌کند و آب آتش را خاموش می‌کند، اعمال نیز خوشبختی یا بدبختی می‌آفرینند.

امید است پس از اثبات و توضیح این دو نکته، شوق عبادت و حس دوری از معصیت تقویت شود.

و من الله التوفیق.

رساله حاضر به همین منظور نگاشته شده است و مشتمل بر یک تمهید و چهار بخش و خاتمه است بدین ترتیب که در تمهید و پیش در آمد نقش اعمال را در پاداش و کیفر به طور اجمال بیان نموده‌ایم.

بهشت نمی‌رود، و از اینجا ثابت می‌شود که اعمال نقشی ندارند در پاسخ می‌گوییم: مطلب حدیث این نیست که اعمال نقش ندارند بلکه منظور این است که انسان نباید به عمل خود مغرور شود و از فضل و لطف الهی غافل بماند زیرا اعمال ما در برابر نعمتهای خداوند ناچیزند و بدون فضل خدا ره به جایی نمی‌برند و این فضل نیز به سبب اعمال نیکو حاصل می‌شود. پس اعمال جزیی از علت هستند. خداوند می‌فرمایند: «ان رحمة الله قریب من المحسنین»

بخش اول: آثار و زیان‌های گناه در دنیا را توضیح می‌دهد.

بخش دوم: در مورد فوائد طاعات و عبادات در دنیا است.

بخش سوم: پیرامون ارتباط کیفر اخروی با گناه است.

بخش چهارم: مبحث نقش طاعات در پاداش اخروی است.

در خاتمه به برخی از اعمال نیک و بد اشاره کرده‌ایم و سپس به پاسخ شبهاتی پرداخته‌ایم که موجب جرأت و بی باکی عوام گشته است.

الله سبحانه و تعالی به فضل و کرم خویش آن را بپذیرند و باعث رشد و هدایت همگان قرار دهند و از سر تقصیر ما بگذرد.

آمین

مؤلف



پیش در آمد

بدون شک اعمال مستوجب پاداش و کیفر هستند، در قرآن مجید این حقیقت به عناوین مختلف بیان شده است، به آیات زیر توجه کنید:

۱ـ ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَمَّا نُهُوْا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ کُونُوا قِردَةً خَاسِئِین﴾ (۱)

پس چون از (ترک) آنچه از آن نهی شده بودند کبر ورزیدند به آنان گفتیم بوزینگان خوار و زبون باشید.

۲ـ ﴿فَلَمَّا آسَفُونا انتَقَمْنا منهم﴾ (۲)

وقتی ما را خشمگین ساختند از آنها انتقام گرفتیم.

آیه بالا گویای این حقیقت اسیت که نارضایتی الله سبب انتقام گشته است.

۳ـ ﴿ان تَتَّقُوا اللهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرقَاناً وَ یُکفِّر عنکم﴾ (۳)

اگر از خداوند بترسید برای شما فتحی قرار خواهد داد و گناهانتان را از شما خواهد زدود.

۴ـ ﴿لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَی الطَّرِیْقَة لَاَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقاً﴾ (۴)

اگر آنها مستقیم می‌ماندند بر راه ما آنها را بکثرت آب نوشیدنی می‌دادیم.

۵ـ ﴿فَاِنْ تَابُوا وَ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَ اٰتُوا الزَّکٰوةَ فَاِخْوانُکُمْ فِی الدّین﴾ (۵)

۱- اعراف: ۱۶۶ ۲- الزخرف: ۵۵ ۳- الانفال: ۲۹

۴- الجن: ۱۶ ۵- توبه: ۱۱

اگر توبه کنند و نماز را بر پای دارند و زکات را بپردازند برادران دینی شما هستند.

۶ـ ﴿ذٰلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ اَیْدِیْکُم﴾ (۱)

این به سزای عملکرد پیشین شماست.

۷ـ ﴿بِمَا کُنتم تَعْمَلُونَ﴾

این جزا به سبب اعمال شماست.

۸ـ ﴿ذلِکَ جَزاءُهم بِاَنَّهُمْ کَفَرُوا بِاٰیٰتِنا﴾ (۲)

این است کیفر آنها چون به آیات ما کافر شدند.

۹ـ ﴿فَعَصَوا رَسُولَ رَبِهِم فَاَخَذَهم اَخْذَةً رَابِیة﴾ (۳)

سپس از (فرمان) رسول پروردگارشان سرپیچی کردند آنگاه (خداوند) به مؤاخذه سخت آنان را فرو گرفت.

۱۰ـ ﴿فَکَذَّبُوهُما فَکَانوا مِنَ الْمُهْلَکِین﴾ (۴)

آنها حضرت موسی و حضرت هارون علیهم السلام را تکذیب کردند، پس شدند از هلاک شدگان.

در جایی کلمه لولا وارد شده است:

۱۱ـ ﴿فَلَولاَ اَنَّه کانَ مِنَ الْمُسَبِّحِیْن لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ الٰی یَومِ یُبْعَثُون﴾ (۵)

اگر او از نیایشگران نبود به یقین در شکم نهنگ تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند باقی می‌ماند.

از آیه بالا به وضوح پیداست که حضرت یونس به طفیل تسبیح، از

۱ـ ال عمران: ۱۸۲ ۲ـ اسراء: ۹۸ ۳ـ الحاقة: ۱۰

۴ـ المؤمنون: ۴۸ ۵ـ صافات ۴ـ۱۴۳

آن مصیبت رهایی یافت.

۱۲- ﴿وَ لَو اَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا یُوعَظُونَ بِهِ لَکَانَ خَیْراً لَهُم﴾[۱]

و اگر آنان آنچه را که به آن پند داده می‌شوند انجام می‌دادند قطعاً برایشان بهتر بود.

آیات بالا بیانگر این واقعیت اند که بین اعمال و پاداش ارتباط تنگاتنگ وجود دارد.



۱- النساء: ۶۶

بخش اول

آثار و زیان‌های گناه در دنیا

بخش اول

آثار و زیان‌های گناه در دنیا

گناهان آثار بد و ضررهای بیشماری در دنیا دارند، در اینجا ابتدا بطور اجمال برخی از این آثار را در پرتو قرآن و حدیث بیان می‌کنیم و سپس با تفصیل آنها را بر می‌شماریم. در جاهای متعدد قرآن مجید داستان و سرگذشت افراد نافرمان ذکر شده است.

راستی! چه چیزی بود که ابلیس را از فراز آسمان بر زمین فرود آورد؟ به علت همین نافرمانی بود که رانده دربار خداوند متعال شد و به جای رحمت و قرب و تسبیح و تقدیس، کفر و شرک، دروغ و فحش نصیبش شد. چه چیزی بود که در زمان نوح علیه‌السلام تمام ساکنان روی زمین را در طوفان غرق کرد؟ چه عاملی بود که قوم عاد را به وسیله تندباد هلاک ساخت؟ صدای مهیبی که جگرهای قوم ثمود را پاره پاره کرد به چه علتی بود؟ چرا قوم لوط سنگ باران شد؟ و چه چیزی آبادیهای آنان را بر فراز آسمان بالا برده و بر زمین پرتاب ساخت؟ چه عاملی بود که بر قوم شعیب علیه‌السلام عذاب را به شکل سایه ابر فرود آورد، و آتش باران کرد؟ چه چیزی باعث شد که قوم فرعون در دریای قلزم غرق شوند؟ چرا قارون با دارایی خویش در زمین فرو رفت؟ چه چیزی بود که یک بار بر بنی اسرائیل قومی جنگجو را مسلط گردانید که آنان رادر میان خانه هایشان نابود ساختند و بار دوم دشمنان آنها را بر آنان

غالب کرد که مساکن شان را ویران ساخت؟

چه عاملی بود که همین بنی اسرائیل را به انواع بلاها گرفتار کرد که گاهی کشته می‌شدند و گاهی به اسارت در می‌آمدند و گاهی خانه هایشان غارت می‌شد و گاهی پادشاه ظالم بر آنها مسلط می‌شد و گاه از شهرها بیرون رانده می‌شدند؟ حقا که عوامل همه این بدبختی‌ها جز نافرمانی از دستور رب العالمین چیز دیگری نبود.

قرآن کریم بعد از ذکر وقایع، به اسباب و علل آنها اشاره کرده در یک جمله فرموده است:

﴿فَمَا كَانَ اللهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لٰكِنْ كَانُوْا اَنْفُسَهُم يَظلِمُونَ﴾[1]

خداوند بر آنان هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.

حال بنگرید که آنان به سبب گناه و نافرمانی، متحمل چه عذاب و تباهی شدند. امام احمدرحمه‌الله روایت کرده است که هنگام فتح جزیره قبرس حضرت جبیر بن نضیر مشاهده کرد که حضرت ابودرداءرضی‌الله‌عنه در گوشه‌ای نشسته و گریه می‌کند، از او پرسید که چرا در چنین روز فرخنده‌ای که الله تعالی اسلام و اهل اسلام را عزت بخشیده است گریه می‌کند؟ حضرت ابودرداءرضی‌الله‌عنه در پاسخ گفت: ای جبیر جای تأسف است که شما نمی‌دانید که هرگاه قومی فرمان الله تعالی را بجا نیاورد چقدر به پیشگاه او ذلیل و خوار می‌شود. ببین این قوم صاحب قدرت بودند. وقتی فرمان خداوند را بجا نیاوردند چگونه ذلیل و خوار

۱- عنکبوت: ۴۰

بخش اول

آثار و زیان‌های گناه در دنیا

گناهان آثار بد و ضررهای بیشماری در دنیا دارند، در اینجا ابتدا بطور اجمال برخی از این آثار را در پرتو قرآن و حدیث بیان می‌کنیم و سپس با تفصیل آنها را بر می‌شماریم. در جاهای متعدد قرآن مجید داستان و سرگذشت افراد نافرمان ذکر شده است.

راستی! چه چیزی بود که ابلیس را از فراز آسمان بر زمین فرود آورد؟ به علت همین نافرمانی بود که رانده دربار خداوند متعال شد و به جای رحمت و قرب و تسبیح و تقدیس، کفر و شرک، دروغ و فحش نصیبش شد. چه چیزی بود که در زمان نوح علیه‌السلام تمام ساکنان روی زمین را در طوفان غرق کرد؟ چه عاملی بود که قوم عاد را به وسیله تندباد هلاک ساخت؟ صدای مهیبی که جگرهای قوم ثمود را پاره پاره کرد به چه علتی بود؟ چرا قوم لوط سنگ باران شد؟ و چه چیزی آبادیهای آنان را بر فراز آسمان بالا برده و بر زمین پرتاب ساخت؟ چه عاملی بود که بر قوم شعیب علیه‌السلام عذاب را به شکل سایه ابر فرود آورد، و آتش باران کرد؟ چه چیزی باعث شد که قوم فرعون در دریای قلزم غرق شوند؟ چرا قارون با دارایی خویش در زمین فرو رفت؟ چه چیزی بود که یک بار بر بنی اسرائیل قومی جنگجو را مسلط گردانید که آنان رادر میان خانه هایشان نابود ساختند و بار دوم دشمنان آنها را بر آنان

غالب کرد که مساکن شان را ویران ساخت؟

چه عاملی بود که همین بنی اسرائیل را به انواع بلاها گرفتار کرد که گاهی کشته می‌شدند و گاهی به اسارت در می‌آمدند و گاهی خانه هایشان غارت می‌شد و گاهی پادشاه ظالم بر آنها مسلط می‌شد و گاه از شهرها بیرون رانده می‌شدند؟ حقا که عوامل همه این بدبختی‌ها جز نافرمانی از دستور رب العالمین چیز دیگری نبود.

قرآن کریم بعد از ذکر وقایع، به اسباب و علل آنها اشاره کرده در یک جمله فرموده است:

﴿فَمَا كَانَ اللهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لٰكِنْ كانُوْا اَنْفُسَهُم يَظْلِمُونَ﴾ (۱)

خداوند بر آنان هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.

حال بنگرید که آنان به سبب گناه و نافرمانی، متحمل چه عذاب و تباهی شدند. امام احمد رحمه‌الله روایت کرده است که هنگام فتح جزیره قبرس حضرت جبیر بن نضیر مشاهده کرد که حضرت ابودرداء رضی‌الله‌عنه در گوشه‌ای نشسته و گریه می‌کند، از او پرسید که چرا در چنین روز فرخنده‌ای که الله تعالی اسلام و اهل اسلام را عزت بخشیده است گریه می‌کند؟ حضرت ابودرداء رضی‌الله‌عنه در پاسخ گفت: ای جبیر جای تأسف است که شما نمی‌دانید که هرگاه قومی فرمان الله تعالی را بجا نیاورد چقدر به پیشگاه او ذلیل و خوار می‌شود. ببین این قوم صاحب قدرت بودند. وقتی فرمان خداوند را بجا نیاوردند چگونه ذلیل و خوار

---

۱ ـ عنکبوت: ۴۰

گشتند؟

در مسند احمد آمده است که رسول اکرمﷺ فرمودند:

﴿إِنَّ الرَّجُلَ لِيُحْرَمُ الرزقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ﴾(۱)

همانا انسان به سبب ارتکاب گناه از رزق محروم می‌گردد.

در کتاب روایی ابن ماجه به روایت عبدالله بن عمرؓ آمده است که عبدالله می‌گوید ما ده نفر در خدمت رسول اللهﷺ حضور داشتیم آنحضرتﷺ خطاب به ما فرمودند پنج چیزند که از خدا پناه می‌خواهم که به آن مبتلا شوید:

۱ـ هرگاه قومی آشکارا اعمال بی حیایی و خلاف عفت را انجام دهد به مرض طاعون و بیماریهایی مبتلا می‌شود که در گذشته سابقه نداشته است.

۲ـ هرگاه قومی درکیل و وزن خیانت کند (کم فروشی کند) به تنگی و قحط و ظلم حکام مبتلا می‌شود.

۳ـ و هیچ قومی از دادن زکات امتناع نمی‌ورزد مگر آنکه باران رحمت از آنها بازداشته می‌شود و اگر بهائم نبودند هرگز باران رحمت فرود نمی‌آمد.

۴ـ و هرگاه قومی به عهد شکنی عادت کند الله (ج) دشمن بیگانه‌ای را بر آنها مسلط می‌کند که اموال آنان را به زور می‌گیرد.

۵ـ هرگاه در قومی غلول و خیانت ظاهر شود ترس و بزدلی در قلوب آنها راه می‌یابد.

۱- مسند احمد ص۲۷۷ ج۵

ابن ابی دنیا روایت می‌کند که شخصی از حضرت عایشه رضی الله عنها سبب زلزله را پرسید. ایشان فرمودند: هرگاه مردم بی باکانه زنا را مانند امر مباح مرتکب شوند و شراب بنوشند و آلات موسیقی رواج یابد آنگاه الله تعالی به خشم می‌آید و به زمین دستور می‌دهد که آنها را بلرزاند.

حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله به مردم کشور خویش نامه‌ای به این شرح نوشت که زلزله در زمین علامت عتاب و خشم الهی است، من به مردم تمام شهرها نوشته‌ام که در فلان تاریخ برای دعا و تضرع به میدان بیرون آیند و کسی که توان مالی دارد صدقه کند. خداوند می‌فرمایند:

﴿قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى وَ ذَكَرَ اسمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى﴾ (۱)

رستگار شد کسی که صدقه کرد و پروردگار خویش را یاد نمود و نماز خواند.

و بگویید آن گونه که آدم علیه السلام گفته بود:

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَ اِنْ لَمْ تَغْفِرْلَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْن﴾ (۲)

پروردگارا بر خود ستم کرده‌ایم و اگر ما را نیامرزی و مورد رحمت خویش قرار ندهی، ما از زیانکاران خواهیم بود.

و همان گونه که نوح علیه السلام گفته بود:

﴿وَ اِلاَّ تَغْفِرْلِي وَ تَرْحَمْنِي اَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْن﴾ (۳)

اگر آمرزش و رحمت خود را بر من ارزانی نداری بدون شک از زیان کاران خواهم بود.

۱- سوره اعلی: ۱۵ ۲- سوره اعراف: ۲۳ ۳- سوره هود: ۴۷

و همانطور که حضرت یونس علیه السلام گفته بود:

﴿لَآ اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ﴾ (۱)

پروردگارا معبودی جز تو وجود ندارد تو از هر عیب و نقص پاک هستی، بدون شک من از ستمگران بوده‌ام.

ابن ابی دنیا روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر وقت الله (ج) بخواهند بندگان را مجازات کنند، مرگ و میر کودکان زیاد می‌شود و زنان، عقیم می‌گردند».

مالک بن دینار می‌گوید: در کتب حکمت خوانده‌ام که الله تعالی می‌فرماید: من پادشاه و مالک پادشاهان هستم دل آنها در دست من است هر کس مرا اطاعت بکند پادشاهان را بر او مهربان می‌گردانم و هر کس از فرمان من سرپیچی کند همان پادشاهان را بر عقوبت او می‌گمارم، شما خود را به بدگویی پادشاهان سرگرم نکنید، به سوی من بازگردید که من آنها را بر شما مهربان می‌گردانم. امام احمد رحمه الله از وهب نقل کرده که الله تعالی به بنی اسرائیل فرمود: هرگاه مرا اطاعت کنید از شما راضی و خشنود می‌شوم و هرگاه راضی شدم بر شما برکت نازل می‌کنم و برکت من پایان ندارد و اگر مرا نافرمانی کنید، به خشم می‌آیم و شما را لعنت می‌کنم (از رحمت خود دور می‌گردانم) و اثر لعنت من تا هفت نسل باقی می‌ماند.

امام احمد رحمه الله از وکیع رحمه الله روایت کرده که در بخشی از نامه‌ای که حضرت عایشه رضی الله عنها به امیر معاویه رضی الله عنه نوشته بود آمده است:

۱- سوره انبیا: ۸۷

«هر گاه بنده‌ای از فرمان خدا سرپیچی کند، هر کسی بخواهد او را تعریف کند بی اراده به نکوهش او زبان می‌گشاید».

زیان‌های گناه

در احادیث آثار و ضررهای گناهان ذکر شده است در اینجا برخی از این آثار را با ترتیب می‌آوریم:

۱ـ انسان از علم الهی محروم می‌گردد، زیرا علم نور باطنی است و معصیت، نور را خاموش می‌کند.

امام مالک رحمه الله به امام شافعی رحمه الله اینگونه توصیه کرده بود:

﴿إِنِّي أَرَى اللهُ تَعَالَى قَدْ أَلْقَى عَلَى قَلْبِكَ نُوراً فَلاَ تُطْفِئْهُ بِظُلْمَةِ الْمَعْصِيَةِ﴾

می‌بینم که الله تعالی بر قلب شما نوری افکنده است. پس آنرا به تاریکی و معصیت خاموش مگردان.

۲ـ بوسیله گناه رزق کم می‌گردد. (در این باره به حدیثی که در صفحات قبل بیان شد مراجعه شود).

احساس وحشت

۳ـ شخص گناهکار، از خداوند احساس نوعی وحشت می‌کند کسی که ذوق ایمانی دارد آنرا درک می‌کند، شخصی نزد عارفی از احساس وحشت شکوه کرد. او در پاسخ گفت:

إِذا كُنْتَ قَدْ أَوحَشَتَكَ الذُّنُوبُ   فَدعها اذا شِئْتَ وَ اِستأنِسْ

هر گاه بر اثر گناهان به وحشت افتادی و خواستی که وحشت

برطرف شود پس گناه را ترک کن و انس حاصل نما.

۴ـ معصیت موجب می‌شود که گناهکار از انسانها هم وحشت داشته باشد، بخصوص از همنشینی بندگان نیک احساس تنفر می‌کند و هر قدر که وحشت اضافه شود به همان نسبت از برکات آنها محروم می‌شود، یکی از بزرگان می‌گوید هر گاه از من خطایی سر می‌زند اثر آنرا در اخلاق و رفتار اهل خانه و حیوان خود می‌یابم. بدین گونه که آنها کاملاً از من فرمانبرداری نمی‌کنند.

۵ـ شخص عاصی در اکثر کارها دچار مشکل می‌شود، زیرا همانگونه که بوسیله تقوا راههای کامیابی هموار می‌شود به سبب ترک تقوا راههای پیروزی بسته می‌شود.[۱]

تاریکی قلب

۶ـ در قلب گناهکار نوعی تاریکی پدید می‌آید که اگر با دقت بنگرد آن ظلمت را بخوبی احساس می‌کند و در نتیجه این ظلمت، حیرانی و سرگشتگی پدید می‌آید و به دنبال آن به بدعت و ظلالت و جهالت مبتلا می‌شود و نابود می‌گردد و اثر این ظلمت از قلب به چشم سرایت می‌کند و سپس در چهره نمایان می‌گردد بطوری مردم آن را می‌بینند، فرد فاسق هر قدر صورتی زیبا داشته باشد باز هم چهره او بی رونق و بی نور است.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: به سبب اعمال

۱– و من یتق الله یجعل له مخرجاً (طلاق: ۲)

نیک در چهره رونق و در قلب نور و در رزق وسعت و در بدن قوت و در دل مردم محبت بوجود می‌آید و از انجام کارهای زشت، در چهره بی رونقی، در قبر و قلب ظلمت، در بدن سستی و در رزق تنگی و در دل مردم بغض و نفرت پیدا می‌شود.

۷ـ به علت معصیت دل و جسم ضعیف می‌شوند. ضعیف شدن قلب ظاهر است که همت و اراده به کارهای خیر کم می‌شود و چه بسا از بین می‌رود. و از آنجا که جسم تابع قلب است هر گاه قلب ضعیف شد بدن هم ضعیف می‌گردد. به بین کفار فارس و روم چه هیکل‌های قوی داشتند، اما در برابر صحابه رضی الله عنهم نتوانستند مقاومت کنند.

۸ـ به سبب گناه انسان از طاعت محروم می‌ماند، امروز یک طاعت فردا طاعتی دیگر و سرانجام از همه طاعات و نیکی‌ها محروم می‌گردد، مانند کسی که یک لقمه لذیذ و مسموم بخورد و بر اثر آن از هزاران لقمه لذیذ دیگر محروم گردد.

کوتاهی عمر

۹ـ بر اثر معصیت، عمر کوتاه می‌گردد. و برکت آن از بین می‌رود. زیرا طولانی شدن عمر به سبب نیکی، از حدیث صحیح ثابت است. سپس به همان نسبت به وسیله فجور و معصیت عمر کوتاه می‌شود و این اشکال نهایت ضعیف است. که کسی بگوید چوت عمر مقدر است چگونه زیاد و کم می‌شود؟ زیرا این سؤال تنها به عمر بستگی ندارد تمام امور از قبیل توانگری، فقیری، تندرستی و بیماری در تقدیر ثبت شده‌اند اما باز هم از اسباب و تدابیر استفاده می‌شود عمر نیز چنین

است.

۱۰ـ یک گناه سبب می‌شود که انسان گناهان دیگری مرتکب شود، رفته رفته گناهان وجود او را فرا می‌گیرند سرانجام به گناه معتاد می‌شود بطوری که نمی‌تواند آن را ترک کند و از ترک آن احساس زحمت و ناراحتی می‌کند و در این صورت از انجام گناه لذتی هم نمی‌برد.

۱۱ـ از گناه کردن اراده توبه ضعیف و سست می‌شود، تا حدی که کلاً توفیق توبه سلب می‌شود و در همین حالت مرگش فرا می‌رسد.

۱۲ـ هرگاه کراراً مرتکب گناه شود، بدی گناه از دلش بیرون می‌رود و دیگر آنرا بد نمی‌فهمد و از اینکه دیگران او را در حال گناه ببینند باکی ندارد و حتی گناهان پوشیده خود را بطور تفاخر ذکر می‌کند چنین شخصی از بخشش دور می‌شود، رسول الله ﷺ فرمودند:

﴿كُلُّ اُمّتِي مُعافىً اِلاَّ المُجاهِرين و اِنَّ مِنَ الاِجهارَانْ يَسترَ اللهُ عَلَى العَبد ثُمَّ يُصبِحُ يَفضَحُ نَفْسَه و يقُولُ يَا فُلان عَمِلتُ يَومَ كَذا و كَذَا كَذا و كَذا فَتَهتِكُ نَفسَه وَ قَد باتَ يَستُره رَبّه﴾

برای همه امت من امید آمرزش وجود دارد مگر برای کسانیکه آشکارا مرتکب گناه می‌شوند و این هم نوعی آشکار سازی است که خداوند کسی را پرده پوشی نموده و رسوا نساخته است، اما خودش برای دیگران تعریف می‌کند که در روز فلان و در محل فلان چنین گناهی را مرتکب شده‌ام و بدینوسیله خودش را رسوا می‌کند. در حالی که پروردگارش او را پوشیده است.

بسا اوقات سبک شمردن گناهان به کفر می‌رسد از اینجاست که یکی از بزرگان می‌گفت: «شما از گناه بترسید من از کفر می‌ترسم».

۱۳ـ هر معصیت میراث یکی از دشمنان خدا است گویا شخص گناهکار وارث همان ملعونان است، مثلاً لواط، میراث قوم لوط علیه السلام است، کم فروشی و تقلب در کیل و وزن میراث قوم شعیب علیه السلام است، برتری جویی و فساد، میراث فرعون و قوم او است، تکبر و فخر فروشی میراث قوم هود علیه السلام است.

در مسند احمد به روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند:

﴿من تشبه بقوم فهو منهم﴾ (۱)

هر کس وضع و هیئت قومی را انتخاب کند از آنان محسوب می‌شود.

ذلت به پیشگاه خدا

۱۴ـ شخص معصیت کار در نظر الله خوار و بی ارزش می‌شود. و هر گاه نزد خالق خوار و ذلیل گشت در چشم مخلوق نیز بی ارزش می‌شود. خداوند می‌فرماید:

﴿وَ مَنْ يُهِنِ اللهُ فَمَا لَهُ من مُكرِم﴾ (۲)

کسی را که خدا ذلیل کند کسی او را گرامی نخواهد داشت.

عـزیزی کـه از درگـهش سـربتافت

به هر در که شد هیچ عـزت نـیافت

فرد گناهکار اگر صاحب قدرت هم باشد و مردم بخاطر پرهیز از

۱- مسند احمد ج۴ ص۵۰

۲- حج: ۱۸

ستم و بداخلاقی او وی را تعظیم کنند اما در دل هیچ کس ارزش و احترامی ندارد.

۱۵ـ شومی گناه تنها دامن گیر شخص معصیت کار نمی‌شود، بلکه به دیگران هم سرایت می‌کند و آنان او را لعنت می‌کنند و اضافه بر کیفر گناه، لعنت نیز نثار او می‌شود. مجاهد رحمه الله می‌گوید هنگام خشکسالی و نباریدن باران، حیوانات می‌گویند، این خشکسالی بر اثر اعمال شوم بنی آدم است لذا بر انسانهای معصیت کار لعنت می‌کنند.

فساد عقل

۱۶ـ به علت گناه، عقل، سست و فاسد می‌شود، زیرا عقل موجودی نورانی است و از تیرگی معصیت ضعیف می‌شود، بلکه گناه کردن خود، دلیل کم عقلی است، اگر عقل او سالم بود در حالی که در پنجه قدرت و در سرزمین الهی بسر می‌برد، در برابر دید پروردگار و در حالی که فرشتگان و مأموران خدا عمل او را ثبت می‌کنند و قرآن مجید، ایمان، مرگ‌و دوزخ او را منع می‌نمایند به گناه اقدام نمی‌کرد. و با یک لحظه هوسرانی، منافع دنیا و آخرت را از دست نمی‌داد.

لعنت شدگان

۱۷ـ آدم معصیت پیشه مشمول لعنت خدا و رسول و فرشتگان قرار می‌گیرد زیرا آنان بر بسیاری از گناهکاران لعنت فرموده‌اند که برخی عبارتند از:

* زنانی که بر بدن خویش جهت تزیین خالکوبی می‌کنند.

* زنی که موهای زن دیگری را به موهای خود وصل کند.

* کسانی که به هر نحو در معاملات ربوی سهیم اند (طرفین معامله، گواهان و کسانی که اسناد ربائی را تنظیم می‌کنند).

* حلاله کننده و کسی که برای او حلاله می‌شود (در صورتی که مشروط باشد).

* دزد

* شرابخوار و کسانی که در خرید و فروش و ساخت و حمل و نقل شراب دست دارند.

* کسانی که پول شراب را مصرف می‌کنند.

* کسی که پدر خود را بد بگوید.

* کسی که جانداری را نشانه تیر (تمرینی) قرار بدهد.

* مردانی که خود را در وضع سر و صورت و پوشاک، با زنان مشابه کنند.

* زنانی که خود را با مردان مشابه کنند.

* کسی که به نام غیر الله ذبح کند.

* کسی که در دین چیز جدید و بدعتی را رواج دهد.

* حمایت کننده شخص بدعتگذار.

* مصور.

* کسی که مرتکب عمل لواط و هم جنس بازی شود.

* کسی که با حیوان عمل جنسی انجام دهد.

* کسی که بر چهره حیوان داغ کند.

* کسی که مسلمانی را ضرر برساند یا او را فریب دهد.

* زنانی که به قبرستان می‌روند (و مرتکب اعمال ناجایز می‌شوند).
* کسانی که بر سر قبر سجده می‌کنند و بالای آن چراغ روشن می‌کنند.
* کسی که زنی را نسبت به شوهرش بدبین و علیه او تحریک کند.
* کسی که با همسرش از راه عقب نزدیکی کند.
* زنی که با شوهر خود قهر کند و شب را در تنهایی بگذراند.
* کسی که نسب خود را به غیر از پدرش با دیگری پیوند دهد.
* کسی که برادر مسلمان خود را با اسلحه تهدید کند.
* کسی که در زمین فساد برپا کند.
* کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کند.
* کسی که خدا یا رسولش را مورد آزار و اذیت قرار دهد.
* کسی که احکام خداوندی را پنهان دارد.
* کسانیکه زنان پاکدامن و ایماندار را به زنا متهم کنند.
* کسی که کفار را علیه مسلمانان یاری و راهنمایی کند.
* کسی که رشوت بدهد و رشوت بگیرد یا واسطه باشد و همچنین بر افعال دیگری نیز لعنت وارد شده است، اگر گناه، زیان‌های دیگری نداشته باشد، آیا این چیز کوچکی است که مورد لعنت رسول الله ﷺ و فرشتگان قرار گیرد؟

برخی دیگر از زیان‌های گناه

۱۸ـ فرد عاصی از دعای خیر فرشتگان محروم می‌شود خداوند می‌فرماید:

﴿اَلَّذِينَ يَحمِلُونَ العَرشَ وَ مَن حَولَه يُسبِحُونَ بِحَمدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤمِنونَ بِه وَ يَستَغفِرونَ لِلَّذينَ ءامنُوا رَبَّنا وَسِعَت كُلَّ شَيءٍ رَحمَةً و عِلْماً فَاغفِر لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلکَ وَ قِهِم عَذابَ الجَحيْم﴾ (۱)

کسانی که عرش را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آن (عرش) هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می‌خواهند (می‌گویند) پروردگارا بخشایش و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است پس آنان را که توبه کرده‌اند و از راه تو پیروی کرده‌اند ببخش و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن.

از این آیه واضح شد که فرشتگان برای مؤمنانی که از احکام الهی پیروی می‌کنند، دعای مغفرت می‌کنند و کسانی که معصیت را پیشه کرده و بی راهه می‌روند، مستحق این نعمت نخواهند شد.

۱۹- به سبب گناه در زمین فساد روی می‌دهد، و در آب و هوا و محصولات نقص بوجود می‌آید، خداوند می‌فرماید:

﴿ظَهَرَ الفَسَادُ فِي البرِّ وَالبَحْرِ بِمَا كَسَبَت اَيدِى النَّاسَ﴾ (۲)

ظاهر شد فساد در خشکی و دریا بسبب اعمالی که انسانها انجام می‌دهند.

امام احمد رحمه‌الله طی روایتی می‌گوید: در انبار غله بنی امیه کیسه‌ای گندم وجود داشت که گندم آن به اندازه هسته خرما درشت بود، روی کیسه نوشته بود که این در زمانه عدل بوجود آمده است، بعضی از صحرانشینان می‌گویند میوه‌های زمان قدیم، از میوه‌های این زمانه

۱- المؤمنون: ۷ ۲- روم: ۴۱

بزرگتر بوده است.

وقتی که حضرت عیسیؑ می‌آید، چونکه در آن زمان، کثرت طاعات می‌شود و زمین از گناه پاک می‌گردد، آنگاه برکات به سوی آن عود می‌کنند تا این حد که در حدیث صحیح آمده است که یک انار، جماعت بزرگی را کفایت می‌کند و یک خوشه انگور بقدری بزرگ می‌شود که می‌توان یک شتر را بار کرد، از اینجا معلوم می‌شود که بی برکتی این زمانه به سبب خطا و گناهان ما است.

۲۰ـ بر اثر گناه، حیا و غیرت از بین می‌رود و ارزشی برای انسان باقی نمی‌ماند، آنگاه از ارتکاب هر نوع عمل زشت احساس شرمندگی نمی‌کند.

۲۱ـ عظمت الله تعالی از دل انسان بیرون می‌رود. آری! اگر عظمت الله تعالی در دل او وجود داشت آیا می‌توانست با او مخالفت کند، پس وقتی که در دل او عظمت الله تعالی وجود ندارد، او نیز در نظر الله تعالی عزت و ارزشی ندارد و این شخص در نظر مردم نیز ذلیل و خوار می‌گردد.

۲۲ـ به سبب گناه، نعمتهای خداوند سلب می‌شوند و انسان به بلا و مصائب گرفتار می‌گردد.

حضرت علیؓ می‌فرمایند: نازل نمی‌شود هیچ بلا و مصیبت مگر بسبب گناه و دور نمی‌شود هیچ بلا مگر به توبه.

خداوند می‌فرمایند:

﴿وَ مَا اَصَابَكُم مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَت اَيْدِيكُم وَ يَعفُو عَن كَثِيرٍ﴾(۱)

هر مصیبتی که بر شما می‌آید به سبب اعمال شما است و خداوند از بسیاری از گناهان در می‌گذرد.

﴿ذَالِكَ بِاَنَّ اللهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّراً نِعمَةً اَنْعَمَها عَلٰى قَومٍ حَتَّى يُغَيِّروا مَا بِاَنفُسِهِم﴾(۲)

این بدان سبب است که الله تعالی هرگز نعمتی را که به قومی داده است نمی‌گیرد تا آنکه حالات ذاتی خویش را تغییر ندهند.

۲۳ـ گناه موجب می‌شود که القاب نیکو و شایسته سلب شود و گناهکار با القاب زشت و ناپسند یاد شود، برای مثال، نیکوکاران را با این القاب یاد می‌کنند:

مؤمن، نیکوکار، مطیع، ولی، پرهیزگار، مصلح، عابد، خائف، اوّاب، طیّب، رضّی، تائب، حامد، راکع، ساجد، مسلم، قانت، صادق، صابر، خاشع، متصدق، صائم، عفیف، ذاکر و...

اما انسان معصیت پیشه با القاب زیر یاد می‌شود:

فاجر، فاسق، عاصی، مخالف، بدکار، خبیث، مسخوط، زانی، سارق، قاتل، کاذب، خاین، لوطی، قاطع رحم، متکبر، ظالم، ملعون، جاهل و...

۲۴ـ شیاطین بر انسان مسلط می‌شوند، زیرا طاعت، یک دژ و پناهگاه خداوندی است که بوسیله آن از جمله دشمنان محفوظ می‌ماند هرگاه از آن بیرون بیاید دشمنان او را محاصره می‌کنند و قلب و زبان و

۱- شوری: ۳۰ ۲- انفال: ۵۳

دست و پا و چشم و گوش، تمام اعضای او را در معاصی غرق می‌کنند.

۲۵ـ گناه اطمینان قلب و آرامش را از بین می‌برد و انسان را پریشان می‌کند، گناهکار هر وقت نگران است که مبادا کسی از کار او اطلاع یابد و آبرویش برود یا مبادا کسی از او انتقام بگیرد، به عقیده بنده «معیشت ضنک» (تنگ) که در قرآن آمده به همین معناست.

۲۶ـ گناه به علت تداوم در دل جای می‌گیرد، حتی که هنگام مرگ به جای کلمه توحید همان عملی که انجام می‌داده است در فکر و زبان او جاری می‌شود. شخصی حکایت می‌کرد که به یکی از خویشاوندانش که تاجر بود هنگام مرگ کلمه توحید را تلقین می‌کرد ولی او مرتب می‌گفت:

«این پارچه چقدر نفیس و با ارزش است. این مشتری چقدر خوش معامله است» سرانجام به همین حالت از دنیا رفت. حکایت می‌کنند که یک گدا هنگام مرگ می‌گفت: «بنام خدا یک ریال بدهید».

همچنین شخصی را هنگام سکرات، کلمه تلقین می‌کردند و او می‌گفت «آه آه از دهنم بیرون نمی‌آید» و حالات ناگوار دیگری هنگام مرگ پیش می‌آید که مااطلاع نداریم و خداوند متعال پناه بدهد.

۲۷ـ گناه انسان را از رحمت خدای تعالی ناامید می‌کند به همین جهت توبه نمی‌کند و بدون توبه می‌میرد.

شخصی را هنگام مرگ گفتند که بگو لااله الا الله او شروع به ترانه خوانی و تقلید صدای موسیقی کرد و گفت کلمه‌ای که شما می‌گوئید چه فایده می‌دهد در حالی که من هیچ گناهی را فروگذار نکرده‌ام، سرانجام بدون توبه و خواندن کلمه توحید مرد.

به شخص دیگری گفتند: کلمه شهادت را بر زبان بیاور، گفت: این کلمه چه دردی را دوا می‌کند در حالی که در تمام عمر خود نماز نخوانده‌ام.

و شخص دیگری می‌گفت: گویا کسی زبان مرا می‌گیرد و نمی‌گذارد که بخوانم. ﴿اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا﴾

آن‌چه ذکر شد برخی از ضررهای دنیوی گناه است و زیان‌های ظاهری و باطنی دیگری نیز هست که در قرآن و حدیث آمده و با اندک تفکر و توجه می‌توان آنها را دریافت و این علاوه بر ضررهایی است که در آخرت دامن گیر انسان می‌شوند و در آینده به طور اختصار ذکر خواهیم کرد.

شخص عاقل هرگز حاضر نیست که در برابر چند لحظه لذت کاذب این همه کوه بلا و مصیبت را به جان بخرد، در امور دنیا اگر بدانیم که ضرر فلان چیز از نفعش بیشتر است به آن نزدیک نمی‌شویم، در مورد معاصی نیز باید همین طرز عمل را اختیار نمود، الله همه مسلمانان را از نافرمانی محفوظ نگهدارد.

آمین



بخش دوم

فواید عبادات در دنیا

بخش دوم

فواید عبادات در دنیا

علاوه بر فوایدی که در ضمن بحث قبل بیان شد عبادات، آثار و نتایج دیگری نیز دارند که برخی از آنها رابر می‌شماریم:

۱ـ افزایش روزی

رزق به وسیله طاعت افزایش می‌یابد. خداوند می‌فرماید:

﴿وَ لَو اَنَّهُم اَقامُوا التَّورَاةَ وَالانجِیلَ وَ ما اُنْزِلَ اِلَیْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لاَکَلُوا مِنْ فَوقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ﴾ (۱)

اگر آنها (اهل کتاب) تورات و انجیل و کتابی که هم اکنون از جانب پروردگارشان نازل گشته است (قرآن) را بر پا می‌داشتند از آسمان و زمین روزی می‌خوردند.

عمل بر تورات و انجیل این است که به حضرت رسول اکرمﷺ بر حسب آنچه در تورات و انجیل آمده است ایمان بیاورند و اتباع بکنند، اگر چنین می‌کردند البته از آسمان و زمین روزی می‌خوردند یعنی از آسمان باران می‌بارید و از زمین محصولات فراوان بدست می‌آوردند.

۲ـ آسایش در سایه ایمان و تقوی

اطاعت موجب برکات گوناگون است خداوند می‌فرماید:

﴿وَ لَو اَنَّ اَهْلَ القُریٰ آمنوا وَاتَّقوا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِّنَ السَّماءِ وَالاَرضِ وَ لٰکِن کَذَّبُوا فَاَخَذناهُم بِمَا کَانُوا یَکسِبُون﴾ (۲)

۱- مائده: ۶۶ ۲- اعراف: ۹۶

اگر اهل آن شهرها ایمان می‌آوردند و تقوی پیشه می‌کردند قطعاً از آسمان و زمین (دروازه) برکتهایی را بر آنان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند، پس به (سزای) آنچه می‌کردند آنان را مجازات کردیم.

۳ـ رفع اندوه

به برکت طاعت هر نوع اندوه و پریشانی برطرف می‌شود. خداوند می‌فرماید:

﴿وَ مَن يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَّهُ مُخرَجاً وَ يَرزُقْهُ مِن حَيثُ لاَ يَحتَسِبُ وَ مَن يَتَوكّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسبُه﴾ (۱)

هر کس از خدا بترسد، برای او راه نجاتی از تنگناها فراهم خواهد کرد و از جایی او را روزی می‌دهد که گمان هم نمی‌برد و هر کسی بر خدا توکل کند او برایش کافی است.

۴ـ حل مشکلات

بوسیله طاعت کارهای مشکل آسان می‌شوند خداوند می‌فرماید:

﴿وَ مَن يَتَّقِ اللهَ يَجْعَلْ لَه مِنْ اَمْرِه يُسراً﴾ (۲)

هر کس تقوا گزیند الله تعالی کارهای مشکل او را آسان خواهد کرد.

۵ـ لذت زندگی

از آرامش و لذت زندگی برخوردار می‌شود، خداوند فرموده است:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ اَو اُنْثىٰ وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيٰوةً طَيِبَةً﴾ (۳)

هر کس عمل نیک انجام دهد، اعم از مرد و زن بشرطی که مؤمن

۱- الطلاق: ۲ـ۳ ۲- الطلاق: ۴ ۳- نحل: ۹۷

باشد، زندگانی پاک و با لذت به او عطا خواهیم کرد.

آری بسیار دیده‌ایم که این افراد در زندگی ساده خود آنچنان احساس آرامش و لذت می‌کنند که پادشاهان، خواب آنرا هم نمی‌بینند.

من دلق خود به افسر[1] شاهان نمی‌دهم
من فقر خود به ملک سلیمان نمی‌دهم

مترجم

۶ـ نزول رحمت

باران رحمت الهی می‌بارد، در مال فزونی و در اولاد برکت ایجاد می‌شود، باغها پرمیوه و نهرها پر آب می‌شوند، خداوند می‌فرماید:

﴿اِستَغفِرُوا رَبّکُم اِنَّه کَانَ غَفَّاراً یُرسِلِ السَّمَآءَ عَلَیکُم مِدرَاراً وَ یُمدِدکُم بِاَموالٍ وَ بَنِینَ وَ یَجعَلْ لکُمْ جَنّٰتٍ وَ یَجعَل لَکُم اَنهَارَاً﴾[2]

طلب مغفرت کنید از پروردگار خویش، همانا او بسیار بخشنده است، باران‌های پی در پی بر شما می‌فرستد و در اموال و اولاد شما فزونی می‌آورد و برای شما باغهای سرسبز و نهرهای جاری می‌آفریند.

۷ـ دفع مصائب

ایمان موجب خیر و برکت است و مصایب را دفع می‌کند، خداوند می‌فرماید:

﴿اِنَّ الله یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمنُوا﴾[3]

همانا خداوند از مؤمنان (جمیع بلا و مصائب) را دفع می‌کند.

و الله تعالی حامی و مددگار آنها می‌شود، چنانکه می‌فرمایند:

۱- تاج شاهی ۲- نوح: ۱۲-۱۰ ۳- الحج: ۳۸

﴿اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمنُوا﴾ (۱)

الله تعالی مددگار ایمان داران هست.

۸ـ قوت قلب

به وسیله فرشتگان دلهای مؤمنان را قوت می‌بخشد، چنانکه می‌فرماید:

﴿اِذ يُوحِي رَبُّکَ اِلَى المَلٰئِكَةِ اَنِّي مَعَكُم فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمنُوا﴾ (۲)

آنگاه پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم پس ثابت قدم بدارید کسانی را که ایمان آورده‌اند.

۹ـ عزت و سربلندی

الله تعالی مؤمنان را عزت و شرف واقعی عنایت می‌فرمایند:

﴿وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤمِنِين﴾ (۳)

(عزت برای خدا و رسول او و برای ایمان داران است)

۱۰ـ ارتقای درجات:

رتبهٔ مؤمنان را بلند می‌فرمایند:

﴿يَرْفَعِ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ (۴)

(خداوند مرتبت کسانی را که ایمان آوردند بلند می‌کند.

۱۱ـ محبوبیت در قلبها

مؤمن محبوب قلبها. خداوند می‌فرماید:

﴿اِنَّ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدّاً﴾ (۵)

۱- البقره: ۲۵۷ ۲- انفال: ۱۲ ۳- منافقون

۴- مجادله: ۱۱ ۵- مریم: ۹۶

(بی‌شک کسانی که ایمان آوردند و عمل نیک کردند پیدا می‌فرماید الله تعالی برای آنها محبت (در دلها))

این مطلب در حدیث نیز آمده است که الله تعای وقتی بنده‌ای را دوست بدارند به فرشتگان می‌فرمایند که به فلان شخص محبت کنند، سپس در دنیا اعلام می‌شود در میان اهل زمین نیز محبوبیت پیدا می‌کند تا جایی که حیوانات و جمادات از او اطاعت می‌کنند:

تو هم گردن از حکم داور مپیچ   که گردن نپیچد ز حکم تو هیچ

۱۲ـ هدایت و شفا:

قرآن مجید شفابخش مؤمنان است:

﴿قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا هُدیً وَ شِفَاءٌ﴾

(بگو ای پیامبرﷺ که قرآن مجید برای ایمان داران هدایت و شفاست.

همچنین به برکت ایمان خوبی‌ها و نعمت‌های فراوان حاصل می‌شود، مطالعه نصوص فضایل، موید این مطلب است.

۱۳ـ جبران خسارات مالی:

به وسیله طاعت ضررهای مالی جبران می‌شود و بهترین عوض میسر می‌گردد، خداوند می‌فرماید:

﴿يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي اَيْدِيكُم مِّنَ الاَسرىٰ اِن يَّعلمِ اللهُ فى قُلُوبِكُم خيراً يُّؤْتِكُمْ خيراً مِمَّآ اُخِذَ مِنكُمْ و يَغفِرْلَكُمْ واللهُ غَفورٌ رَّحيمٌ﴾ (۱)

(ای نبی اکرمﷺ به اسیرانی که در دست شما است بگو اگر خدا در

۱- انفال: ۷۰

دل شما خیر و ایمانی مشاهده کند در برابر آنچه از شما گرفته شده بهتر از آن را عطا می‌کند و گناهان شما را می‌بخشد و الله تعالی بخشنده و بسیار مهربان است)

توضیح: این آیه درباره اُسرای بدر نازل شده که از آنها مال اندکی بطور فدیه گرفته شد و خداوند به آنها وعده داد که اگر شما از ته دل ایمان بیاورید به شما خیلی بیشتر از آنچه داده‌اید، خواهد رسید، و همینطور هم شد.

۱۴ـ افزایش دارایی:

هزینه کردن مال در راه اطاعت خدا باعث افزایش آن خواهد شد:

﴿وَ مَا اٰتَيْتُم مِنْ زَكٰوةٍ تُرِيْدُونَ وَجْهَ اللهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُضعِفُونَ﴾

(و آنچه شما زکات می‌دهید که از آن محض رضامندی الله تعالی را می‌خواهید پس اینها دو چند کننده هستند یعنی مال را در دنیا و اجر را در آخرت).

۱۵ـ اطمینان قلبی:

طاعت، در قلب، نوعی راحتی و اطمینان پدید می‌آورد که لذت سلطنت هفت اقلیم در برابر آن هیچ است، خداوند می‌فرماید:

﴿اَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْب﴾

(آگاه باشید که دلها به یاد الله تعالی آرامش می‌یابد).

یکی از عارفان در پاسخ نامه سلطان سنجر که حکومت نیمروز را به او پیشکش نموده بود می‌نویسد: آنگاه که از سلطنت نیمه شب یعنی نیایش در دل شب با رب العالمین آگاه شدم، حکومت منطقه نیمروز را به یک دانه جو نمی‌خرم:

چو چتر سنجری رخ بختم سیاه باد

در دل اگر بود هوس ملک سنجرم

زانگه که یافتم خبر از ملک نیم شب

من ملک نیم روز را به یک جو نمی‌خرم

یکی از بزرگان می‌گوید: جای تأسف است که ثروتمندان از دنیا رفتند در حالی که از راحت و لذت زندگی بهره‌ای نبردند.

یکی دیگر از عارفان می‌گوید: اگر پادشاهان از راحت و شادمانی ما آگاهی یابند به حال ما رشک می‌برند و در صدد قتل ما بر می‌آیند.

گاهی لذت قرب خداوندی به حدی غالب می‌شود که آنرا بر بهشت نیز ترجیح می‌دهند و اگر در بهشت این لذت وجود نداشته باشد آنرا با دوزخ برابر می‌دانند. عارف رومی می‌گوید:

با تو دوزخ جنت است ای جانفزا بی‌تو جنت دوزخ است ای دلربا

شاعری دیگر می‌گوید:

درد مرا نداند طبیب دوا که من

بی‌دوست خسته خاطرم و با دوست خوشترم

۱۶ـ انتقال آثار نیکوکاری پدران به فرزندان:

آثار نیکوی اعمال صالح به فرزندان نیز منتقل می‌شود. چنانکه خداوند در بیان داستان خضر می‌فرماید:

﴿وَ اَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلاَمَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تحت كَنزُهُمَا وَ كَانَ اَبُوهُمَا صَالِحاً فَارادَ رَبّک اَنْ يَبْلُغَا اَشَدَّهُمَا وَ يَسْتَخْرِجاً كَنْزَهُمَا رَحْمَةً من

رَبِّکَ﴾(۱)

(خضر دیواری یافت که می‌خواست فرو ریزد از آن را برپا داشت و مانع ویرانیش شد وقتی حضرت موسی علت این کار را پرسید خضر گفت این دیوار متعلق به دو بچه یتیم بود و زیر آن گنجی مال آنها وجود داشت و پدر آنها مرد صالحی بود. پروردگار تو می‌خواست آنها به سرحد بلوغ برسند و گنجشان را بیرون آوردند، این رحمتی بود از طرف پروردگار تو)

از این داستان معلوم می‌شود که به سبب نیک و صالح بودن پدر آن بچه‌ها، خداوند به حضرت خضر دستور داد که مال آنها را حفاظت کند و ثابت شد که آثار نیکوکاری در نسل انسان هم منتقل می‌شود، امروز مردم در فکر هستند که برای فرزندان خود اسباب زندگی و املاک و غیره فراهم آورند. اما بهترین سرمایه و ارثیه برای اولاد این است که خود پدر کار نیک انجام دهد تا به برکت آن فرزندان او از همه بلاها و مصایب محفوظ بمانند.

۱۷ـ مژده غیبی

به وسیله طاعت، در زندگی دنیا مژده غیبی حاصل می‌شود، خداوند می‌فرماید:

﴿اَلاَ اِنَّ اَوْلِیاءَ اللهِ لاَ خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لاَ هُمْ یَحْزَنُوْنَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوا وَ کَانُوا یَتَّقُونَ لَهُمُ البُشْریٰ فِی الحَیٰوةِ الدُّنْیا وَ فِی الاٰخِرَةِ﴾(۲)

آگاه باشید که دوستان الله تعالی نه ترسی دارند و نه اندوهگین

۱- کهف: ۸۲ ۲- یونس ۶۴-۶۳

مـی‌شوند. دوستان خدا کسانی هستند که ایمان آوردند و از او می‌ترسند، برای آنها در زندگانی دنیا و آخرت مژده است.

در حدیث شریف آمده که مراد از بشری خواب نیکو است انسان با دیدن آنها خوشحال می‌شود، مثلاً در خواب می‌بیند که در بهشت است یا به زیارت الله تعالی مشرف شده است یا خوابهایی دیگر که مایه امیدواری و قوت قلب است.

۱۸ـ مژده بهشت

فرشتگان، آدم پرهیزگار را هنگام مرگ مژده مـی‌دهند، فـرموده‌ی الهی است:

﴿اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰئِكَةُ اَنْ لاَ تَخَافُوا وَ لاَ تَحْزَنُوا وَ اَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ. نَحْنُ اَوْلِيَاءُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ فِي الاٰخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيْهَا مَا تَشْتَهِيْ اَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيْهَا مَا تَدَّعُوْنَ نُزُلاً مِنْ غَفُوْرٍ رَحِيْمٍ﴾ (۱)

کسانی که گفتند رب ما الله تعالی است و سپس استقامت کردند، فرود می‌آید بر آنها فرشتگان (هنگام مرگ) که نترسید و غمگین نباشید و مژده باد بر شما به بهشتی که وعده داده می‌شدید، ما حامی و مددکار شما هستیم در زندگانی دنیا و در آخرت و در جنت برای شماست آنچه دل شما بخواهد و برای شما در آنجا چیزهایی است که طلب کنید، این همه بطور مهمانی است از طرف خدای بخشنده و مهربان.

۱- حم السجده: ۳۰-۳۱

۱۹ـ برآورده شدن نیازها

برخی از طاعات، انسان را در برآورده شدن حاجات کمک می‌کنند. خداوند می‌فرمایند:

﴿وَاسْتَعِيْنُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَةِ﴾

برای برآورده شدن حاجات و نیازهای خود از صبر و نماز کمک بگیرید.

در حدیث شریف برای این نوع استعانت یک روش خاصی بیان شده است، امام ترمذی رحمه‌الله از حضرت عبدالله بن ابی اوفی رضی‌الله‌عنه روایت کرده است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند کسی که حاجتی داشته باشد اعم از اینکه حاجت او مستقیماً با خدا مربوط باشد یا به انسان، باید خوب وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند. سپس سپاس خدا را بجای آورد، مثلاً سوره فاتحه یا درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم بخواند و آنگاه این دعا را بخواند:

﴿لاَ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَسْئَلُکَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِکَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِکَ وَالْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلاَمَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ لاَ تَدَعْ لِيْ ذَنْبًا اِلاَّ غَفَرْتَهُ وَ لاَ هَمًّا اِلاَّ فَرَّجْتَهُ وَ لاَ حَاجَةً هِيَ لَکَ رَضِيً اِلاَّ قَضَيْتَهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ﴾

۲۰ـ مشورت با خدا

هرگاه انسان در مورد انجام کاری تردید داشته باشد و نداند که انجام آن کار برایش سودمند است یا ترک آن، می‌تواند به وسیله برخی از طاعات راه حل نهایی را انتخاب کند و این کار بوسیله استخاره ممکن است گویا بدینوسیله انسان با الله مشورت می‌کند.

امام بخاری رحمه الله از حضرت جابر رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه در انجام کاری تردید داشتید و نتوانستید سود و زیان خود را تشخیص دهید دو رکعت نماز نفل بخوانید و بعد این دعا را قرائت کنید:

﴿اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَستخِیرُکَ بِعلمکَ وَ اَسْتقدِرُکَ بقُدرَتِکَ وَ اَسئلکَ مِن فَضلِکَ العظِیم فَاِنَّکَ تَقدِرُ وَ لاَ اَقدِرُ و تَعلم و لاَ اَعلمُ و اَنتَ عَلاَّمُ الغُیوب اللّٰهم اِن کنتَ تعلمُ انّ هذا الامرَ خیرٌ لی فِی دِینی وَ معاشِی و عاقِبةِ امری﴾

و فی روایة:

﴿عاجِل اَمری وَ آجِلِه فَاقْدِره لِی و یَسِّرهُ لی ثُمَّ بارِک فیه و اِن کنتَ تعلمُ انَّ هذا الامرَ شرّ لِی فِی دِینِی و معاشِی وَ عاقبةِ امری فاصْرفهُ عنی و اصرفنی عنه واقدر لی الخیرَ حیثُ کان ثم ارْضِنی﴾

بجای کلمه ﴿هذا الامر﴾ کار مورد نظر خود را نام ببرد مثلاً بگوید ﴿هذا السفر یا هذا النکاح یا مانند آن﴾.

۲۱ـ کفایت مهمات

الله به وسیله طاعات کفایت کارهای مهم انسان را بر عهده میگیرد.

امام ترمذی رحمه الله از حضرت ابوالدرداء و حضرت ابوذر رضی الله عنهما روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمودند که خداوند فرموده است: ای فرزند آدم در آغاز روز برای من چهار رکعت بخوان که تا پایان روز تمام کارهای مهم تو را کفایت کنم.

۲۲ـ برکت در دارایی

برخی از طاعات مانند راستگویی و امانتداری در مال و دارایی برکت می‌آورند.

حضرت حکیم بن حزام رحمه‌الله روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: اگر فروشنده و مشتری راست بگویند و عیب مال خود را نپوشند در معامله آنها برکت پیدا می‌شود و اگر پنهان کنند و دروغ بگویند برکت معامله از بین می‌رود.(۱)

۲۳ـ تداوم حکومت

پرهیزگاری موجب دوام حکومت است. امام بخاری رحمه‌الله از حضرت معاویه رضی‌الله‌عنه روایت کرده که من از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: مادامی که قریش بر دین استوارند امارت و خلافت در میان آنها باقی خواهد ماند و هر کس با آنها مخالفت کند ناکام خواهد شد.

۲۴ـ رهایی از مرگ

بعضی از طاعات مالی، خشم خدا را فرو می‌نشانند و از مرگ بد نجات می‌دهند.

امام ترمذی رحمه‌الله از حضرت انس رضی‌الله‌عنه روایت کرده که رسول الله ﷺ فرمود: صدقه خشم کردگار را فرو می‌نشاند و به هنگام مرگ حالات ناگوار (خاتمه بد و مردن در حال ذلت و رسوایی) را دفع می‌کند.

۲۵ـ طول عمر

دعا بلا را دفع می‌کند و نیکوکاری طول عمر را افزایش می‌دهد. حضرت سلمان رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: قضا را چیزی جز دعا تغییر نمی‌دهد و عمر را جز اعمال صالح چیز دیگری افزایش نمی‌دهد.(۲)

۱- بخاری و مسلم ۲- ترمذی

۲۶ـ خوشبختی در پرتو قرآن

حضرت عطاء بن ابی رباح رضی الله عنه نقل می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که سوره یاسین را در آغاز روز بخواند تمام حاجات او برآورده می‌شود.(۱)

۲۷ـ حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که سوره واقعه را هر شب بخواند هرگز به فاقه و تنگدستی مبتلا نخواهد شد.(۲)

همچنین دیگر سوره‌های قرآن دارای فواید و خواص ویژه‌ای هستند.

۲۸ـ برکت در غذا

ایمان در تغذیه نیز تأثیر می‌گذارد. حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که شخصی زیاد غذا می‌خورد، وقتی او مسلمان شد، غذا کم می‌خورد سبب این امر را از رسول الله ﷺ پرسیدند. فرمود: این به برکت ایمان است.(۳)

همچنین در روایتی دیگر آمده است که مردی کافر مهمان رسول خدا ﷺ بود. آنحضرت ﷺ دستور فرمود که هفت گوسفند را یکی پس از دیگری دوشیدند، آن مرد شیر همه گوسفندان را نوشید ولی روز بعد که مسلمان شد، شیر یک گوسفند را نوشید و نتوانست شیر گوسفند

۱- دارمی ۲- بیهقی، شعب الایمان

۳- مفهوم حدیث بیان شده است

دومی را بنوشد.(۱)

تأثیر دعا

۱ـ به برکت برخی دعاها انسان از بیماری و بلا محفوظ می‌ماند.

حضرت عمر و حضرت ابوهریرهرضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول اللهﷺ فرمودند: هر کس به هنگام دیدن کسی که به بیماری و رنجی مبتلا است دعای زیر را بخواند هرگز آن بیماری به او نمی‌رسد:

﴿اَلْحَمْدُلِلّٰهِ الَّذِیْ عَافَانِیْ مِمَّا ابْتِلاَکَ بِهٖ وَ فَضَّلَنِیْ عَلٰی کَثِیْرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِیْلاً﴾(۲)

۲ـ غم و اندوه برطرف می‌شود.

حضرت ابوسعید خدریرضی الله عنه روایت کرده است که شخصی خدمت رسول اللهﷺ عرض کرد که افکار پریشان کننده و قرضهای زیاد مرا احاطه کرده است. آنحضرتﷺ فرمودند: به تو کلامی نشان می‌دهم که از خواندن آن الله تعالی تمام افکار تو را برطرف و وام هایت را ادا می‌کنند. صبح و شام این دعا را بخوان:

﴿اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِکَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَ اَعُوْذُبِکَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْکَسْلِ وَ اَعُوْذُبِکَ مِنَ الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ وَ اَعُوْذُبِکَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّیْنِ وَ قَهْرَ الرِّجَالِ﴾(۳)

آن شخص بیان می‌کند که طبق فرموده پیامبرﷺ، این کلمات را خواندم، به برکت آنها خداوند متعال، تمام غم و فکرهای مرا دور کرد و

۱- ترمذی، کتاب الاطعمه باب ۲۰ ۲- ترمذی

۳- ابوداوود

قرض مرا ادا نمود.

۳ـ از سحر و جادو و غیره حفاظت می‌کند.

حضرت کعب بن احبار رضی الله عنه می‌گوید: چند کلمه‌اند که اگر من آن‌ها را نمی‌خواندم یهودی‌ها به وسیله سحر مرا به جانور تبدیل می‌کردند. پرسیدند آن چه کلماتی هستند؟ گفت:

﴿اَعُوْذُ بِوَجْهِ اللهِ الْعَظِيْمِ الَّذی لَيْسَ شَیْءٌ اَعْظَمَ مِنْهُ وَ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَاتِ الَّتِیْ لاَ يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لاَ فَاجِرٌ وَ بِاَسْمَاءِ الْحُسْنٰی مَا عَمِلتُ مِنْهَا وَ مَا لَمْ اَعْلَمْ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وِذَرَاً وَ بَرأَ﴾ [1]

همچنین طاعات و اعمال صالح فواید و منافع بیشماری دارند که با تفکر در قرآن و حدیث و بررسی اوضاع مردم می‌توان آن‌ها را درک کرد و ما به چشم خود می‌بینیم که کسانی که فرمانبردار خدا و رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند در زندگی چنان خوشبخت هستند که نظیر آن در فرمانروایان و طبقات بالای جامعه یافته نمی‌شود. در دارایی اندک آنها برکت و در دلهای آنها نورانیت وجود دارد و خوشبختی واقعی همین است، خداوند به همه ما توفیق اطاعت عنایت فرماید. و خوشنودی و قرب خویش را نصیب ما بگرداند.



۱- موطا و امام مالک

بخش سوم

ارتباط تنگاتنگ کیفر اخروی

با گناه

بخش سوم

ارتباط تنگاتنگ کیفر اخروی با گناه

باید دانست که از کتاب و سنت ثابت است که بغیر از این جهان دنیا دو جهان دیگر وجود دارد که یکی را برزخ و دیگری را عالم غیب می‌نامند. منظور ما از جهان آخرت مفهوم کلی است که هر دو را شامل می‌شود.

هر وقت انسان عملی انجام می‌دهد فوراً در عالم برزخ منعکس شده و سپس مخفی می‌ماند و آثاری بر وجود آن پدید می‌آید. سپس این اعمال در روز محشر ظاهر می‌شوند. بنابراین مراتب وجودی هر عمل سه مرحله است: ۱ـ صدور ۲ـ ظهور مثالی ۳ـ ظهور حقیقی

مثال اول: برای روشن شدن مطلب به یک مثال توجه کنید:

هر گاه انسان نطقی ایراد کند و بوسیله ضبط صوت، ضبط گردد. این عمل او سه مرحله را پیموده است: نخست صدور نطق مرحله دوم ظهور روی نوار، مرحله سوم اینکه هرگاه بخواهند آن نطق را بشنوند عیناً همان نطق را به وسیله روشن کردن ضبط صوت می‌توانند استماع کنند. انجام نطق مثال عالم دنیا است، ظهور روی نوار، مثال عالم برزخ است و سپس استماع آن، مثال جهان آخرت است. همانگونه که از نوار همان نطقی شنیده می‌شود که انجام شده است همچنین فرد مؤمن یقین داشته باشد که هر عملی از او صادر می‌گردد در عالم مثال نقش می‌بندد و در آخرت ظاهر می‌شود. بنابراین اگر فردی بداند که گفته‌های او ضبط می‌شود با دقت و احتیاط سخن می‌گوید زیرا می‌داند هر چه گفته

است بدون کم و کاست ضبط می‌شود و جای انکاری برایش باقی نمی‌ماند. پس همینطور بدانیم که هر چه انجام می‌دهیم به وسیله مأموران مخفی الهی ثبت می‌شود و در یک رو بدون زیادتی و کمی در معرض ظهور قرار می‌گیرند و در آن وقت هیچ حیله و بهانه و عذر و احتمال تغییر و تحریف وجود نخواهد داشت و اگر این یقین در قلب راسخ شود، انسان هنگام گناه کردن می‌اندیشد که مأموران الهی اعمال او را ثبت می‌کنند و فردای قیامت به پیشگاه عدل وی محاکمه خواهد شد.

مثال دوم: مراحل رشد و نمو یک بذر را در نظر بگیرید، از زمان کاشت تا برداشت، سه مرحله دارد: ۱ـ افشاندن بذر، ۲ـ روییدن و بیرون آمدن از زمین، ۳ـ تکامل و میوه دادن. هر شخص عاقل می‌داند که رشد و به بار نشستن یک درخت مرحله ابتدایی نیست بلکه نوع درخت و میوه بستگی به مرحله پیشین یعنی بذرافشانی دارد، کسی که جو کاشته است نباید انتظار گندم داشته باشد.

پس اعمال انسانی نیز همینطور است، عمل در دنیا مانند بذر افشانی است و ظاهر شدن آثار برخی مانند رشد و تکامل درخت است و ظهور آثار آخرت مانند به بار نشستن و میوه دادن است و کسی که عمل بد انجام داده است نباید انتظار پاداش و آثار نیکو داشته باشد، زیرا دنیا کشتگاه آخرت است: ﴿اَلدُّنْیَا مَزْرَعَةُ الاٰخِرَةِ﴾

از مکافات عمل غافل مشو   گندم از گندم بروید جو ز جو

بین یک دانه جو (بذر) و نبات آن مناسبت ظاهری وجود ندارد (البته مناسبت معنوی برای صاحبنظران قابل درک است) و به گفته

کارشناسان نباتات اعتماد می‌کنیم شاید مناسبت بین اعمال و جزای آخرت را نیز هر کس درک نکند، لذا در این مورد باید به کارشناسان فن یعنی انبیاء و جانشینان آن اعتماد کنند.

در اینجا آثار بعضی از اعمال را که پس از مرگ ظهور می‌یابد ذکر می‌کنیم تا معلوم گردد نتایج جهان پس از مرگ بر اساس کارنامه جهان دنیا استوار است و سپس شمه‌ای از اقوال اهل نظر را در مورد مناسبت نتایج اعمال ذکر می‌کنیم تا معلوم گردد که هر چه در آنجا پدید می‌آید، تجسم اعمال دنیوی است. قرآن می‌فرماید:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلاَّ لَدَيْهِ رَقِيْبٌ عَتِيْدٌ﴾ (۱)

(هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورد مگر آنکه نزدش نگهبانی آماده (حضور) دارد)

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَه وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَه﴾ (۲)

(پس هر کس به اندازه ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده باشد (کیفر) آن را خواهد دید).

﴿وَ اِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَى بِنَا حَاسِبِيْنَ﴾ (۳)

(و اگر (عمل نیک و بد هر شخص) به اندازه دانه خردلی باشد، آن را می‌آوریم و ما برای حسابرسی کفایت می‌کنیم)

﴿يَقُوْلُوْنَ يَوَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لاَيُغَادِرُ صَغِيْرَةً وَ لاَكَبِيْرَةً اِلاَّ اَحْصَاهَا

۱- ق: ۱۸ ۲- زلزله: ۸ ـ ۷ ۳- انبیاء: ۴۷

وَجَدُوا ما عَمِلُوا حَاضراً و لایُظلمُ ربُّک احداً﴾[۱]

(می‌گویند: ای وای بر ما، این نامه را چه شده است که هیچ (گناه) کوچک و بزرگی را فروگذار نمی‌کند مگر آنکه فراگیر آن است و هر چه را کرده‌اند حاضر خواهند یافت و پروردگارت بر کسی ستم نمی‌کند)

﴿یَوْمَ تَجِد کُلُّ نَفْسٍ مَاعَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحضراً وَ مَاعَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ انَّ بَیْنَها و بَینَه اَمَدَاً بَعِیْداً﴾[۲]

(روزی که هر کسی آن چه را که از نیکی و بدی کرده است، حاضر می‌یابد و دوست می‌دارد که کاش میان او و آن (عمل بد) فاصله‌ای دور باشد).

تجسم آثار اعمال در عالم برزخ

امام بخاری رحمه الله به روایت سمره بن جندب رضی الله عنه نقل نمود که رسول الله ﷺ عادت داشتند که از صحابه می‌پرسیدند: چه کسی خوابی دیده است؟ یک روز صبح خودش فرمودند که من دیشب خواب دیدم که دو نفر پیش من آمدند و مرا از خواب بیدار کرده با خود بردند؛ در این مسیر از کنار شخصی گذشتیم که خوابیده بود و فردی دیگر سنگی بدست داشت و با قدرت تمام بر سر او می‌زد و سر او با خاک یکسان می‌شد و آن سنگ دور پرتاب می‌شد، او می‌رفت که سنگ را بردارد اما هنوز بر نمی‌گشت که سر آن مرد سالم می‌شد باز آن سنگ را بر سر او می‌زد و این عمل را بارها تکرار می‌کرد، من به همراهانم از روی تعجب

۱- کهف: ۴۹ ۲- آل عمران: ۳۰

گفتم: سبحان الله این دو نفر چه کسانی هستند؟ در جواب گفتند: بفرما جلوتر. سپس از کنار شخصی گذشتیم که بر پشت خوابیده و شخص دیگر قلاب آهنی بدست گرفته و دهن او را از یک سمت تا پشت سر پاره می‌کرد و نیز چشمهای او و بینی او را پاره پاره می‌کرد و بعد به سمت دیگر می‌پرداخت و تا این قسمت را پاره می‌کرد، قسمت دیگر سالم می‌شد و او بار دیگر دهن و چشمهای او را پاره می‌کرد، من گفتم: سبحان الله این‌ها چه کسانی هستند؟ گفتند: هنوز جلوتر برویم. بر یک تنور رسیدیم که از آن فریاد و ناله بر می‌خاست، وقتی نزدیک رفتیم دیدیم که مردان و زنان بسیاری در آن برهنه هستند و از پایین شعله‌های آتش آنها را به بالا پرتاب می‌کند، پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: برویم جلوتر.

به نهری رسیدیم که آب آن مانند خون قرمز بود و در آن شخصی شنا می‌کرد و درگوشه نهر شخصی که سنگهای زیادی به همراه داشت و چون آن شخص می‌خواست که بیرون بیاید یک سنگ به دهنش می‌زد و او باز در نهر فرو می‌رفت و هر بار که می‌خواست بیرون بیاید آن شخص او را به همین وسیله بر می‌گرداند، پرسیدم: این دو نفر چه کسانی هستند؟ گفتند: هنوز جلوتر برویم.

رسیدیم به شخصی که خیلی بدشکل بود که به زشتی او هیچگاه کسی را ندیده بودم، پیش رویش آتش بود و آنرا روشن می‌کرد و دور و بر آن می‌گشت، پرسیدم: این شخص کیست؟ گفتند: برو جلوتر.

راه خود را ادامه دادیم و به باغی وسیع که دارای درختان و گلهای گوناگون بود رسیدیم، در این باغ شخص بسیار قدبلند که سر او از

بلندی دیده نمی‌شد نشسته بود و دور و بر او بچه‌های زیادی جمع شده بودند، پرسیدم این باغ چیست و اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: برو جلوتر.

به یک درخت بزرگ و بسیار زیبا رسیدیم که هرگز درختی به خوبی آن ندیده بودم، به من گفتند: که بالای این درخت برو! ما بالا رفتیم به شهری رسیدیم، وقتی وارد شهر شدیم به افرادی برخورد کردیم که نصف بدن آنها بی‌نهایت زیبا و نصف دیگر بی‌نهایت زشت بود، در آنجا نهر کوچکی جریان داشت که آب آن مانند شیر سفید بود که همراهانم به آن افراد گفتند که خود را در نهر بیاندازید آنها رفتند و خود را در آن نهر انداختند وقتی که نزد ما برگشتند آن زشتی کاملاً از بین رفته بود، آنگاه دو رفیقم به من گفتند که این جنت عدن است، و منزل شما در آن مکان است وقتی به طرف بالا نگاه کردم منزلی سفید مانند ابر دیدم گفتند: این منزل ما شماست، گفتم: الله تعالی به شما جزای خیر بدهد، مرا بگذارید در آن داخل شوم؛ گفتند: الان نه، ولی در آینده داخل خواهید شد. گفتم: در این شب مناظر شگفتی دیدم از حقیقت آنها مرا آگاه سازید، گفتند: اینک حقیقت را برایت تعریف خواهیم کرد، آن فردی که سر او به سنگ کوبیده می‌شد، شخصی است که قرآن مجید را فراگرفته و سپس رها ساخته است و از نماز فرض غفلت می‌کرد و هنگام نماز می‌خوابید و آن کسی که دهن و بینی و چشم او را پاره می‌کردند شخصی بوده است که صبح از خانه بیرون می‌رفت و به دروغ گویی و شایعه‌پراکنی می‌پرداخت، و آن مردان و زنان عریان که در مکانی مثل تنور بودند انسانهای زناکار بودند و آن شخص که در نهر شنا

می‌کرد و به دهن او سنگ زده می‌شد فرد ربا خوار بود و آن مرد بدشکل که آتش روشن می‌کرد و دور و بر آتش می‌گشت او ﴿مالک﴾ سرپرست جهنم بود، و آن شخص دراز قد که در باغ دیدید حضرت ابراهیم‌عليه‌السلام بود و آن بچه‌هایی که دور و بر او بودند بچه هایی بودند که بر فطرت، مرده بودند (در این هنگام یکی از اصحاب پرسید: یا رسول الله‌ﷺ بچه‌های مشرکان هم؟ فرمودند: آری) سپس در ادامه سخن فرمودند: و آن کسانی که نصف بدن آنها زیبا و نصف دیگر زشت بود کسانی بودند که بعضی از اعمال آنها نیک و بعضی دیگر بد بوده است که الله تعالی آنها را مورد عفو و بخشش خویش قرار داد.[۱]

از این حدیث آثار و مناسبتهای اعمال ظاهر گردید گرچه برخی از این مناسبتها بدون تأمل درک نمی‌شوند، مثلاً مناسبت بین دروغ گفتن و پاره کردن دهان ظاهر است، همچنین مناسبت بین عمل زنا که آتش شهوت در تمام بدن منتشر می‌شود و بین کیفر آن که سوختن در آتش باشد ظاهر است و همچنین هنگام زنا برهنه می‌شود، در جهنم نیز برهنه خواهد شد. بقیه اعمال نیز اینگونه است.

کیفر مانعان زکات

هر مالی که زکات آن پرداخت نشود، آن مال بشکل مار شده و در گردن انسان می‌پیچد. از حضرت ابن مسعودرضي‌الله‌عنه روایت شده است که رسول الله‌ﷺ فرمودند: هر شخصی که زکات مال خود را ادا نکند الله

۱- صحیح بخاری کتاب التعبیر حدیث شماره ۷۰۴۷

تعای در روز قیامت یک اژدها در گردنش می‌اندازد، و سپس برای تأیید این مطلب آیه زیر را تلاوت فرمود:[۱]

﴿وَ لاَيَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَبْخَلُونَ بِمَا اتاهُمُ الله مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْراً لَّهُم بل هُوَ شَرٌّ لَّهُم سَيُطَوَّقُونَ مَابَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَة﴾[۲]

(و کسانی که در آنچه خداوند از فضل خویش به آنان داده است، بخل می‌ورزند، نباید این (بخل) را بر خود خیر بپندارند، بلکه آن برایشان شر است. به زودی در روز قیامت آنچه در آن بخل ورزیده‌اند (مانند طوق) درگردنشان افکنده می‌شود).

پرچم پیمان شکنی

پیمان شکنی در روز قیامت به شکل پرچم آشکار می‌گردد و سبب رسوایی خواهد شد. حضرت عمر رضی الله عنه نقل می‌کند که از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: هر کس فردی را پناه بدهد سپس او را بکشد روز قیامت پرچمی بر پشت او نصب می‌گردد و اعلام می‌شود که این نتیجه پیمان شکنی فلانی است.

شکنجه به وسیله کالاهای سرقت شده

دزدی و خیانت در چه چیزی صورت بگیرد همان کالا آله عذاب قرار می‌گیرد. حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که شخصی یک غلام به نام مدعم به رسول الله صلی الله علیه وسلم اهدا نمود. مدعم در حالیکه کالایی را

۱- ترمذی

۲- آل عمران: ۱۸۰

حمل می‌کرد ناگهان تیر خورد و فوت کرد و قاتل شناسایی نشد، مردم گفتند جنت بر او مبارک باد. رسول الله ﷺ فرمودند، هرگز چنین نگویید، سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، آن پتویی که در روز خیبر، قبل از تقسیم غنایم برداشته بود به آتش تبدیل شده و شعله‌اش او را در بر خواهد گرفت. پس از شنیدن این سخن، شخصی یک یا دو عدد بند کفش آورد، رسول الله ﷺ فرمودند (حالا دیر شده است) این بندها آتش پاره جهنم هستند.[1]

نماد غیبت

صورت تمثیلی غیبت، مانند خوردن گوشت برادر مرده است خداوند می‌فرمایند:

﴿وَ لاَ یَغْتَبْ بَعْضُکُمْ بَعْضاً اَیُحِبُّ اَحَدَکُمْ اَنْ یّأکُلَ لَحْمَ اَخِیْهِ مَیْتاً فَکَرِهْتُمُوهُ﴾

(هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند آیا کسی از شما دوست دارد گوشت که برادر مرده خود را بخورد؟ حتماً آنرا ناگوار می‌دانید.)

به همین دلیل غیبت، در خواب به همین شکل به نظر می‌آید.

آراء صاحب نظران در مورد صورت مثالی اشیاء

محققان گفته‌اند که هر خصلت زشت به یک حیوان مخصوص است. هر شخصی که در او آن خصلت غالب باشد، در عالم مثال شکل

۱- بخاری و مسلم

آن شخص مانند همان حیوان می‌باشد. در ملت‌های گذشته آن شکل در همین عالم (دنیا) ظاهر می‌شد. الله تعالی این امت را در این جهان از رسوایی محفوظ داشته است لیکن در جهان دیگر به همان شکل در می‌آید و در قیامت ظاهر می‌گردد. سفیان بن عینیه رحمه الله هم آیه زیر را به همین نحو تفسیر نموده است:

﴿وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الاَرْضِ وَ لاَ طَائِرٍ يَطِيْرُ بِجَنَاحَيْهِ اِلاَّ اُمَمٌ اَمْثَالُكُمْ﴾

هیچ جانور رونده در زمین و پرنده‌ای وجود ندارد مگر آنکه آنها نیز جماعتهایی هستند مانند شما.

سفیان رحمه الله در تفسیر آیه فوق می‌گوید بعضی از مردم بر اخلاق درندگان و بعضی بر اخلاق سگها و بعضی بر اخلاق خنزیرها و چهارپایان دیگر هستند. و بعضی خود را آراسته با طاؤس مشابه می‌کنند و بعضی نجس هستند بعضی مانند ماکیان خودپرور و برخی مانند شتر کینه توز و عده‌ای با مگس مشابهت دارند و گروهی دیگر روباه صفت هستند. امام ثعلبی رحمه الله در تفسیر ﴿فَتَأْتُونَ اَفْوَاجًا﴾ گفته است که در قیامت مردم به اشکال مختلف حشر می‌شوند. عادت چه جانوری بر طبیعت او غالب بوده در قیامت به همان شکل در می‌آید.

۲ـ ظلم: اعم از ظلم مالی و جانی و یا زبانی مانند پایمال کردن حق مردم یا آزار رسانی و آبروریزی آنها.

۳ـ خودبینی و تحقیر دیگران: ظلم و غیبت و غیره بر اثر همین مرض پدید می‌آیند و علاوه بر آن موجب کینه و حسد و خشم نیز می‌شود.

۴ـ خشم: آدم خشمگین همیشه بعد از خشم پشیمان می‌شود. زیرا

در حالت هشم نیروی عقلی مغلوب می‌گردد و هر اقدامی که در آن حالت صورت می‌گیرد خلاف عقل است مانند بد و بی راه گفتن، کتک زدن و... مسلم است که پشیمانی سودی ندارد.

۵ـ ارتباط زن و مرد نامحرم: این ارتباط گرچه با نگاه کردن و در تنهایی با هم نشستن یا شوخی یا آرایش برای یکدیگر و غیره باشد حرام است و مفاسد و فتنه هایی که از این نوع ارتباط پدید می‌آید از حوصله این رساله خارج است انشاءالله در رساله‌ای مستقل در این زمینه بحث خواه کرد.

۶ـ خوردن غذای مشکوک حرام است و از آن ظلمات و تاریکی‌های باطنی پیدا می‌شود زیرا آن غذا در تمام بدن و رگها سرایت می‌کند.

این شش گناه که ذکر منجر به ارتکاب گناهان دیگر می‌شوند. امید است که با ترک آن‌ها پرهیز از بقیه گناهان نیز آسان گردد.

پاسخ برخی از شبهات

در اینجا به پاسخ برخی از شبهات عوام فریبانه می‌پردازیم که برخی از مردم آنها را دستاویز قرار داده و از انجام طاعات و پرهیز از معصیت خودداری می‌کنند، این شبهات دوگونه هستند دسته‌ای از آنها کفر صریح هستند مثلاً این گفته که دنیا نقد است و آخرت نسیه و نقد از نسیه بهتر است، یا این پندار که لذت‌های دنیا یقینی است و شادمانی آخرت مشکوک است پس چگونه امر یقینی را بخاطر چیز مشکوک رها کنیم؟ در اینجا چون روی سخن ما با اهل ایمان است از پاسخ به این شبهات صرف نظر می‌کنیم.

نوع دوم شبهاتی است که به علت جهل و غفلت پدید آمده‌اند در این مختصر به این شبهات پاسخ می‌گوییم. برخی می‌گویند: خداوند غفور و رحیم است گناهان ما در برابر بخشش او ناچیزند.

در پاسخ می‌گوییم بدون تردید خدا غفور و رحیم است اما قهار و منتقم هم هست و شما از کجا می‌دانید که حتماً بخشوده خواهید شد ممکن است که صفت قهر و انتقام را در حق شما اعمال کند. علاوه بر این، بخشش خدا برای کسی است که از گناهان گذشته توبه کند به فکر اصلاح آینده باشد، چنانکه خداوند متعال می‌فرمایند:

﴿اِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَالکَ وَ اَصلَحوا اِنَّ رَبَّک مِن بَعدِهَا لَغفُورٌ رَحیم﴾[1]

همانا پروردگار تو برای کسانی غفور و رحیم است که به نادانی کار بد انجام دادند و سپس توبه کردند و اعمال خود را اصلاح نمودند.

نماد برخی از اعمال،
از زبان مولانا جلال‌الدین رومی

چون سجودی یا رکوعی مرد کشت
شد در آن عالم سجود او بهشت
چون پریده از دهانت حمد حق
مرغ جنت ساختش رب الفلق

۱- نحل: ۱۱۹

حـــمد و تســـبیحت بـماند مـــرغ را
هـــمچو نــقطه مـــرغ بـــاد است و هـــوا
چـــون ز دســـتت رُست ایـثار و زکـــوه
کشت این دست آن طرف نـخل و نـبات
آب صـــبرت آب جـــوی خـــلد شـــد
جـــوی شـــیر خـــلد مـــهر شست و ود
ذوق طـــاعت گشت جـــوی انگـــبین
مســتی و شـــوق تـــو جـوی خـــمر بـین
ایـــن ســـببها آن اثـــرها را نـــماند
کس نـــدانـــد چـــونش جـای آن نشـاند
ایـــن سـبب‌ها چـون بـه فـرمان تـو بـود
چـــارجـــو هـــم مـــر تـــرا فـــرمان نـمود
هـــر طـــرف خـــواهـــی روانش مـی‌کنی
آن صـــفت چـــون بـد چـنانش مـی‌کنی
چـــو مـــنی تـــو کـــه در فـــرمان تـوست
نســـل تـــو در امـــر تـــو آیـــند چـیست
مـــی‌دود در امـــــر تـــــو فـــرزند تـــو
کـــه مـــنم جـــزوت کـــه گـــردم گـرد تـو
آن صـــفت در امـر تـو بـود ایـن جـهان
هـــم در امـــر تـــوست آن جـــوها روان
آن درخـــتان مـــر تـــرا فـــرمان بـــرند
کـــان درخـــتان از صـــفاتت بـــابرند

چون بامر توست اینجا این صفات
پس در امر توست آنجا آن جزات
چون ز دستت زخم بر مظلوم رست
آن درختی گشت از آن ز قوم رست
چون ز خشم آتش تو در دلها زدی
مایه‌ی نار جهنم آمدی
آتشت اینجا چو مردم سوز بود
آنچه از وی زاد مرد افروز بود
آتش تو قصد مردم می‌کند
نار کزوی زاد بر مردم زند
آن سخنهای چو مار و کژدمت
مار و کژدم گشت می‌گیرد دو دست

جان سخن

از آیات و احادیث و اقوال یاد شده بخوبی ثابت شد که هر عملی که انسان انجام می‌دهد اثر آن باقی می‌ماند و روزی ظاهر خواهد شد. خداوند می‌فرماید:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ﴾ (۱)

(پس هر کس به اندازه ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و هر کس به اندازه ذره‌ای کار بد کرده باشد (کیفر) آن را

۱- زلزله: ۸-۷

خواهد دید.)

پس زمینه بهشت و دوزخ را انسان بدست خویش آماده می‌کند و این تحقیق با مسأله تقدید تضادی ندارد، زیرا در بحث تقدیر گفته نشده است که کارها بدون سبب صورت می‌گیرند هرگز چنین نیست بلکه هر آنچه در تقدیر وجود دارد اولاً اسباب آن فراهم می‌شود. بعد آن امر واقع می‌گردد. از جمله عوامل نیرومند دخول بهشت یا دوزخ اعمال حسنه یا اعمال زشت هستند.

بهمین دلیل وقتی که صحابه در مورد فواید اعمال از رسول الله ﷺ سؤال کردند ایشان فرمودند:

﴿اِعْلَمُوْا فَكُلٌّ مُيَسَّرٌ لِمَا خُلِقَ﴾

(عمل بکنید زیرا برای هر شخص عملی آسان می‌شود که برای آن آفریده شده است.)

﴿فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنٰى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى وَ اَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنٰى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرٰى﴾ (۱)

(اما کسی که عطا کرد و پرهیزگاری نمود و باور داشت پاداش نیک را پس توفیق می‌دهیم او را برای رسیدن به سرای آسایش و هر کس بخل ورزید و خود را بی نیاز شمر توفیق دهیم او را برای رسیدن به سرای دشواری.)

حاصل بحث اینکه هر چه انسان در این دنیا انجام دهد در برزخ و قیامت پرده ازآن برداشته می‌شود:

۱- لیل: ۱۰

﴿فَکَشَفْنَا عَنْکَ غِطَائِکَ فَبصَرُکَ الْیَوْمَ حَدِیْدٌ﴾[۱]

(پس حجابت را از (دیده ات) برداشتیم و امروز دیده ات تیزبین است.)

الهی به ما فهم صحیح عطا فرما و بینشی نصیب فرما که هنگام انجام گناه، کیفر آن نیز در نظر مجسم شود وانگهی به ما توفیق بده تا از آن رهایی یابیم.



۱- ق: ۲۲

بخش چهارم

نقش طاعات در پاداش آخرت

بخش چهارم

نقش طاعات در پاداش آخرت

در این زمینه قبلاً در باب سوم به طور اجمال بحث شد اینجا فقط بیان صورت مثالی چند عمل با دلایل، کافی بنظر می‌رسد.

صورت تجسمی اذکار

صورت مثالی و تجسمی سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر مانند درخت است از حضرت ابن مسعودرضي الله عنه روایت شده است. رسول اللهﷺ فرمودند در شب معراج با حضرت ابراهیمعليه السلام ملاقات کردم وی فرمودند ای محمدﷺ امت خود را از طرف من سلام بگو و خبر بده که جنت میدان صاف و همواری است و درخت‌های آن سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر هستند.

نماد سوره‌های بقره و آل عمران

صورت مثالی و نماد سوره بقره و آل عمران، تکه‌های ابر یا مانند پرندگان است. حضرت نواس بن سمعانرضي الله عنه روایت کرده است که از رسول اللهﷺ شنیدم که قرآن مجید و صاحبان قرآن که بر آن عمل می‌کردند روز قیامت حاضر می‌شوند در حالی که سوره بقره و آل عمران مانند دو ابر تیره که در میان آن یک روشنی باشد پیشاپیش آنها قرار دارد به گفته محققین این درخشندگی بسم الله است یا مانند دو

گروه پرنده هر دو سوره از طرف خواننده خود دفاع می‌کنند.(۱)

سوره اخلاص

صورت مثالی سوره قل هو الله مانند کاخ است. سعید بن مسیب روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: هرکس که سوره قل هو الله را ده مرتبه بخواند برای او در جنت کاخ آماده می‌شود و هرکس بیست مرتبه بخواند برای او دو ساختمان آماده می‌شود و هرکسی سی مرتبه بخواند برای او سه قصر مهیا می‌شود، حضرت عمر رضی الله عنه گفت: قسم بخدا یا رسول الله ﷺ ما برای خود در بهشت کاخهای زیادی خواهیم ساخت. رسول الله ﷺ فرمودند: نعمت و رحمت خدا بیش از این است.

تشبیه عمل جاری به چشمه

عمل جاری مانند چشمه است، از ام العلاء الضاریه رضی الله عنها روایت شده است که من در خواب برای حضرت عثمان بن مظعون رضی الله عنه یک چشمه جاری دیدم و این خواب را برای رسول الله ﷺ بیان کردم. فرمودند: این عمل او است که برای او جاری و پایدار خواهد شد.

تشبیه دین و لباس

مثال دین، مانند لباس است. از حضرت ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله ﷺ فرمودند: خواب دیدم که مردم نزد

۱- صحیح مسلم

من حاضر می‌شدند در حالی که پیراهن هایی پوشیده بودند. پیراهن بعضی تا سینه و بعضی پایین‌تر بود، وقتی حضرت عمرؓ آمد دیدم قمیص او آنقدر دراز بود که بر زمین کشیده می‌شد مردم عرض کردند: یا رسول اللهﷺ این خواب را چگونه تعبیر نمودید؟ فرمودند: دین.

مثال علم

مثال علم مانند شیر است، از حضرت عمرؓ روایت می‌کند که از رسول اللهﷺ شنیده‌ام که فرمود در خواب یک استکان شیر به من دادند و من از آن نوشیدم و به حدی سیراب شدم که اثر آن از ناخنهای خود (در تمام وجودم) احساس کردم، آن‌گاه باقیمانده را به حضرت عمرؓ دادم. مردم پرسیدند آنرا چه تعبیر نمودید؟ فرمودند: علم.

مثال نماز

مثال نماز مانند نور است. از حضرت عبدالله بن عمر روایت می‌کند که رسول اللهﷺ فرمودند: هر شخصی که بر نماز محافظت کند آن نماز برای او در قیامت، نور و برهان و نجات می‌باشد.

مشابهت صراط مستقیم و پل صراط

مثال صراط مستقیم مانند پل صراط است. امام غزالیؒ در رساله «حل مسائل غامضه» نوشته که ایمان آوردن بر پل صراط حق است. آنچه می‌گویند که پل صراط در باریکی مانند موی است این وصف در حق آن ظلم است. زیرا از موی هم باریک‌تر است. میان پل صراط و مو

هیچ مناسبتی وجود ندارد همانگونه که خط باریک هندسی که مابین سایه و آفتاب قرار دارد نه جزء سایه به شمار می‌آید و نه جزء آفتاب. باریکی پل صراط نیز مانند خط هندسی است که دارای عرض نیست زیرا پل صراط مانند صراط مستقیم است که در باریکی مثل خط هندسی است و صراط مستقیم حد وسط اخلاق متضاده است مثلاً در میان اسراف و بخل وسط حقیقی، سخاوت است و در میان بی باکی (افراط نیروی خشم) و بزدلی، شجاعت حد وسط است. در میان افراط و تفریط حد وسطی حقیقی میانه روی است و در میان تکبر و پستی، تواضع و در میان شهوت و خمود، عفت قرار دارد. زیرا این صفات دارای دو بعد هستند یکی زیادتی و دوم کمی و هر دو بعد ناپسند هستند و از یکدیگر فاصله دارند، حد وسط اعتدال و میانه روی است که نه بسوی زیادتی میل دارد و نه به سوی کمی. مانند خط فاصل که در میان سایه و آفتاب است که نه در سایه است و نه در آفتاب. خداوند در روز قیامت هیأت صراط مستقیم را برای بندگان خود ترسیم می‌کند و از همهٔ انسانها خواسته می‌شود که بر صراط مستقیم استقامت کنند. کسی که در دنیا بر صراط مستقیم استقامت کرده و از افراط و تفریط اجتناب نموده است می‌تواند از این پل صراط بگذرد و به هیچ طرف مایل نشود زیرا عادت او در دنیا پرهیز از کجی و انحراف بوده است و آن رفتن بر راه راست صفت طبیعی و عادت او قرار گرفته است.

از این دلایل معلوم شد که نظام آخرت غیر منظم نیست که هر کسی را بخواهد در جهنم بیندازد یا به بهشت ببرند. گرچه مالک حقیقی هرگونه اختیار دارد اما عادت و وعده او این است که هر چه انسان انجام

بدهد آنرا همانگونه خواهد یافت، لذا فرموده است:

﴿فَمَا كَانَ اللهُ لِيَظْلِمَهم وَ لٰكِن كَانُوا اَنْفُسَهُم يَظْلِمُوْن﴾ (١)

(هرگز خداوند بر آنان ستم روا نداشت ولی (خودشان) بر خویشتن ستم می‌کردند.)

﴿سَابِقُوا اِلٰى مَغفِرَةٍ مِّن رَبِّكم و جنَّةٍ عَرْضُها السّمٰوٰت وَالاَرْض﴾ (٢)

(به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش مانند پهنای آسمان و زمین است، بشتابید.)

اگر داخل شدن جنت غیر اختیاری است پس چگونه فرمود که به سوی بهشت بشتابید، این بدان معناست که خداوند اسباب دخول بهشت را در اختیار آدمی قرار داده است به همین دلیل بعد از این دستور در دنباله آیه با بیان اعمال و اسباب می‌فرماید:

﴿اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِيْن الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرّآءِ وَالضَّرّآءِ وَالْكاظِمِيْنَ الغَيظ وَالعَافِيْنَ عَنِ النّاس واللهُ يُحِبُّ المحسنِيْن وَالَّذِين اِذَا فَعلُوا فَاحِشَةً اَو ظَلَمُوا اَنْفُسَهُم ذَكَرُوا اللهَ فَاسْتغفرُوْا لِذُنُوْبِهِم وَ مَنْ يغفر الذُّنُوبَ اِلاَّ اللهَ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعلَمُون﴾ (٣)

این بهشت برای پرهیزگارانی آماده شده است که در آسایش و سختی (در راه خدا) خرج می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از تقصیر مردم می‌گذرند و الله نیکوکاران را دوست دارد و برای کسانی که هر گاه کار زشت انجام دهند یا بر خودشان ستم کنند فوراً خدا را یاد می‌کنند و برای گناهان خود آمرزش می‌طلبند و کیست که ببخشد

١- توبه: ٧٠ ٢- حدید: ٢١ ٣- آل عمران: ١٣٥-١٣٣

گناهان را بجز الله تعالی و آنها اصرار نمی‌کنند بر آنچه کرده‌اند در حالیکه می‌دانند.

صفاتی که در این آیه برای بهشتیان بیان شده است همه اختیاری هستند و در ادامه آیه به وضوح بیان می‌دارد که با انجام این کارها دخول بهشت میسر می‌گردد.

﴿اولئک جزاءهم مغفرة من ربهم و جنت تجری من تحتها الانهار خلدین فیها و نعم اجر العاملین﴾ (۱)

پاداش اینها آمرزش از جانب خدا و باغهایی است که از زیر آنها جوی‌ها جاری است و برای همیشه در آن باغها می‌مانند و چه خوب است پاداش عمل کنندگان.

در این دنیا می‌بینیم که مردم اسباب را نیز دوست دارند به طور مثال یک حمال دوست دارد که بر دوش خود بار بکشد و این کار طاقت فرسا را با رضایت انجام می‌دهد حتی گاهی حمال‌ها برای حمل یک بار با هم نزاع می‌کنند و هر کس می‌خواهد آن بار را خودش حمل کند، زیرا می‌داند بدینوسیله پول بدست می‌آید. پس چرا بهشت و دیدار خدا محبوب و پسندیده باشد اما اسباب آن، یعنی اعمال صالح پسندیده و محبوب نباشند؟ بهمین خاطر در حدیث شریف آمده است:

﴿لم ار مثل الجنة نام طالبها﴾ او کما قال

ندیده‌ام که جوینده چیز نفیسی مانند بهشت در خواب باشد.

بدون شک کسی که راز این حقیقت را فهمیده است از انجام اعمال

۱- آل عمران: ۱۳۶

و عبادات سنگین احساس لذت می‌کند. خداوند فرموده است:

﴿و اَنَّها لَکَبِیرَةٌ اِلاَّ عَلَی الخٰشِعِیْنَ الَّذِینَ یَظُنُّونَ اَنَّهُم مُلٰقُوا رَبِّهم وَ اَنَّهُمْ اِلَیْهِ رَاجِعُوْن﴾(۱)

همانا نماز کاری بزرگ و دشوار است مگر برای خاشعان، کسانی که یقین دارند پروردگار خود را ملاقات خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت.

برای آسان شدن نماز، این یقین تجویز شد که به دیدار خدا نایل می‌آییم و رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

﴿جُعِلتْ قُرَّةَ عینی فی الصَّلوٰة﴾

نماز نور چشم (و موجب راحتی) من است.

یک پیشنهاد مفید

پس از اینکه شکل مثالی اعمال معلوم شد، پاداش و کیفر به دست خود شماست اگر می‌خواهید در بهشت صاحب درختان زیادی باشید پس «سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر» را زیاد بخوانید و اگر می‌خواهید در روز قیامت زیر سایه باشید، سوره بقره و آل عمران را تلاوت کنید که به شکل سایبان هستند و اگر می‌خواهید در بهشت صاحب چشمه‌های جاری باشید پس به صدقه جاری مبادرت کنید، و اگر می‌خواهید لباس خوب داشته باشید پس تقوی و دین را محکم بگیرید، اگر می‌خواهید در جنت از چشمه شیر یا از آب حوض کوثر

۱- بقره: ۴۵-۶

سیراب شوید پس علوم دینی را فرا گیرید، اگر می‌خواهید بر پل صراط در یک لحظه بگذرید بر شریعت اسلام پایدار باشید و اگر می‌خواهید بر پل صراط نوری همراه شما باشد پس به نماز اهتمام ورزید، اگر می‌خواهید مالک کاخهای باشکوه باشید سوره قل هو الله را زیاد بخوانید. به همین ترتیب هر چه دلتان می‌خواهد به اسباب آن روی آورید، همان اسباب به شکل همان نعمت در آینده در خواهند آمد و در اختیار شما قرار می‌گیرند.

﴿سبحان الذی لا یخلف المیعاد و لا یضیع اجر المحسنین﴾

خاتمه

در این مبحث اعمال ویژه‌ای را یادآور می‌شویم که بسیار مفید یا بسیار زیان آور هستند و سپس به پاسخ برخی از شبهات می‌پردازیم. باید دانست که همه بدی‌ها مضر هستند اما بعضی از اعمال که بمنزله اصول هستند از اهمیت بیشتری برخوردارند و امید می‌رود با انجام آنها دیگر اعمال اصلاح شوند اینگونه اعمال را در دوفصل می‌آوریم.

فصل اول

برخی از اعمال که پایبندی به آنها موجب طاعات دیگر می‌شوند عبارتند از:

۱ـ **فراگیری علوم دینی**: خواه به وسیله درس و تدریس حاصل گردد یا به وسیله‌ی هم نیشنی با علما، برای کسانی که علوم دینی را از راه مطالعه کتب حاصل می‌کنند مجالست علما ضروری است و منظور

از علما کسانی هستند که بر علم خود عمل می‌کنند و بر شریعت و حقیقت استوارند، اتباع سنت و دوری از افراط و تفریط و پرهیز از تعصب و عداوت و شفقت بر خلق شیوهٔ آن‌هاست. اینگونه علما بسیار در این زمان و در همه‌ی اعصار وجود خواهند داشت زیرا رسول اکرمﷺ می‌فرمایند:

﴿لا یزال طائفة من امتی منصورین علی الحق لا یضرهم من خذلهم حتی تقوم الساعة﴾[1]

گروهی از امت من پیوسته تا قیامت بر حق استوار و پایدار خواهند ماند عدم همکاری و کارشکنی مخالفان زیانی به آنان وارد نخواهد ساخت.

مجالست با صالحان هر مقدار که میسر باشد غنیمت است اگر همه روزه ممکن نباشد هفته‌ای نیم ساعت حضور در مجلس آنان موجب برکات است.

۲ـ نماز: بر نمازهای پنج گانه مواظبت و پایبندی کند. کوشش شود که با جماعت خوانده شوند. بدینوسیله یک نوع ارتباط با خدا برقرار می‌شود و به برکت آن انشاءالله تعالی بقیه اعمال او درست خواهند شد:

﴿ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر﴾[2]

همانا نماز از فحشا و کارهای ناشایست باز می‌دارد.

۳ـ پرهیز از پرحرفی و ارتباطهای بیهوده: که موجب اتلاف وقتی می‌شوند، هرگاه سخن می‌گوید خوب بیندیشد و از بیهوده گویی

۱- جامع الترمذی کتاب الفتن

۲- عنکبوت: ۴۵

بپرهیزد، این روش عامل مهمی است در برابر مصون ماندن از آفتها.

۴ـ محاسبه و مراقبه: مراقبه یعنی همواره مستحضر باشد که من در پیشگاه مالک خود هستم و او تمام اقوال و افعال مرا می‌بیند. محاسبه این است که در یک وقت مقرر مثلاً در شب قبل از خواب، همه کارهایی را که در طول روز انجام داده است بیاد آورد و فکر کند که در پیشگاه خدا محاسبه می‌شود و برای این کارها پاسخی دارم؟

۵ـ توبه و استغفار: هر گاه خطایی از او سر زد بی درنگ و در تنهایی به سجده افتد و با چشم گریان از خداوند آمرزش بطلبد.

از پایبندی بر امور پنجگانه یاد شده که چندان مشکل هم نیستند انشاءالله دروازه تمام طاعات به روی شما گشوده خواهد شد.

فصل دوم

گناهانی که به وسیله پرهیز از آنها می‌توان از بقیه معاصی رهایی یافت عبارتند از:

۱ـ غیبت: این عمل ناپسند منجر به فساد گوناگون دنیوی و اخروی خواهد شد. امروزه اغلب مردم به این مرض مبتلا هستند، آسان‌ترین راه نجات این است که بدون ضرورت شدید نام کسی را بر زبان نیاورد و وقتی دیگران نام کسی را بر زبان می‌آورند به سخنان آنها گوش ندهد، بلکه به کارهای ضروری خود مشغول باشد. آیا مشغولیت خود او کم است که فرصت به یاد بودن دیگران برسد.

کسی که بدون توبه بمیرد به اندازه گناهانش مستحق عذاب است و بدون شک کسی نمی‌تواند فضل خداوندی را جلوگیری کند انسان

گناهکار به چه دلیل مطمئن هست که خداوند در حق او اینگونه عمل می‌کند.

عده‌ای می‌گویند الآن زود است و ما جوان هستیم در آینده توبه می‌کنیم. به این افراد بگوئید شما از کجا اطلاع دارید که زنده می‌مانید. ممکن است شب بخوابید و صبح بیدار نشوید یا اگر هم زنده بمانید شاید توفیق توبه نیابید، زیرا گناه هر قدر بیشتر باشد سیاهی قلب بیشتر می‌شود و در نتیجه توفیق توبه کاهش می‌یابد و بدون توبه مرگ فرا می‌رسد. شبهه دیگر این است که می‌گویند: اول گناه می‌کنیم بعد آمرزش می‌خواهیم، به این شخص باید گفت که اول انگشت را در آتش بسوزان و سپس پماد بگذار و پانسمان کن آیا این را قبول می‌کند؟ هرگز!

پس جای تأسف است که چگونه به بهانه‌های واهی به انجام گناه جرأت می‌کنیم. اگر توفیق توبه هم حاصل گردید آیا بر الله تعالی واجب است که توبه او را در هر حال قبول کند؟ حالانکه عمری را عمداً در گناه بسر برده است؟ وانگهی بعضی از گناهان مربوط به حقوق بندگان هستند که تنها انابت به بارگاه خداوندی کافی نیست بلکه از صاحب حق معافی خواستن ضروری است.

شبهه دیگر این که می‌گویند ما چه کار کنیم تقدیر و سرنوشت ما همین است. امروزه هر کس و ناکس این مقوله را ورد زبان دارد. اما اگر منصفانه قضاوت کنیم می‌بینیم هنگام عمل گناه هرگز این خیال پیدا نمی‌شود که ما این کار را برابر تقدیر می‌کنیم در حق ما چنین نوشته شده است. بلکه بعد از عمل در فرصت‌های آتی به فکر تأویل می‌افتند و

بی ارزش بودن این تأویل مثل روز آشکار است ثانیاً اگر اعتماد کسی بر تقدیر اینگونه مستحکم است پس در امور دنیوی چرا بر این مسئله اتکا نمی‌کنند؟

اگر چنین است نباید در برابر کسی که به شما ضرر جانی یا مالی می‌رساند واکنش نشان داد و او را ملامت کرد، عمل او را به حساب تقدیر بگذارید، حال آنکه چنین نمی‌کنید.

شبهه دیگر این که می‌گویند اگر ما برای بهشت آفریده شده‌ایم حتماً در بهشت می‌رویم. اگر برای دوزخ آفریده شده‌ایم به دوزخ خواهیم رفت، پس چرا بیهوده زحمت بکشیم؟

به این مردم باید گفت که در امور دنیوی چرا زحمت می‌کشید و از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنید؟ برای بدست آوردن غذا چقدر زحمت می‌کشند از کاشستن و درو کردن گرفته تا خوردن و جویدن، این همه زحمت و مشقت برای یک لقمه، اینجا هم نیز به تقدیر اتکا کنید. اگر چیزی در سهم شما نوشته شده خودبخود درست شده در شکم شما می‌رود! برای صاحب فرزند شدن چرا ازدواج می‌کنید.

در این امور به فکر تأویل می‌افتید و به گفته شعرا و حکما استناد می‌جویید مانند این شعر که می‌گوید:

رزق هر چند بی گمان برسد   لیک شرط است جستن از درها

همچنین برای نعمتهای آخرت نیز به اسباب و اعمال صالح روی آورید.

برخی می‌گویند در حدیث آمده است که خداوند فرموده: ﴿انا عند ظن عبدی﴾ من همانگونه هستم که بنده‌ام گمان می‌کند. بنابراین ما

نسبت به رب خود حسن ظن داریم، حتماً ایشان با ما خوب رفتار خواهد کرد.

اما باید دانست که معنی امید و حسن ظن این است که باید با بکارگیری اسباب، جهت نتیجه به فضل خداوند امیدوار بود و به تدابیر اتکا ننمایید. صرف نظر نمودن از اسباب، حسن ظن نیست بلکه غرور و فریب است. عیناً مانند کسی که بدون اینکه بذری بپاشد، به انتظار درو کردن گندم نشسته است مسلم است که این عمل نوعی جنون و خودفریبی است و عاقبت آن جز افسوس و حسرت چیز دیگری نخواهد بود.

خودفریبی دیگر اینکه عده‌ای می‌گویند: ما فرزندان یا ارادتمندان فلان شخص بزرگ و نیکوکار هستیم، عمل ما هر چه باشد نزد خدا بخشوده و پذیرفته خواهیم بود.

سروران! اگر این نسبتها کافی بود، رسول اکرمﷺ هرگز به دختر دلبندش نمی‌گفت: «ای فاطمه، خودت را بوسیله عمل از آتش دوزخ نجات بده. زیرا من نمی‌توانم چیزی را از شما دفع کنم.»

یعنی اگر سرمایه ایمان و اعمال صالح نباشد، این نسبت‌ها کافی نیست و اگر همراه با ایمان و تقوا این نسبتها گرامی باشد آنگاه روز قیامت مفید خواهند بود. چنانکه خداوند می‌فرمایند:

﴿وَالذِینَ آمَنُوا وَاتَّبَعْتهم ذُریتهُم بِایمانٍ اَلحَقنا بِهم ذُریَتهم وَ مَا التناهُم مِن عَمِلهم مِن شَیء﴾ (۱)

۱- طور: ۲۱

و آنان که ایمان آورده‌اند و فرزندانشان نیز در ایمان از آنان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم و در حق آنان از عملشان چیزی نکاهیم.

برخی به این سوء تفاهم مبتلا هستند که خداوند به طاعت و عبادت ما نیازی ندارد. این درست که خداوند به اعمال ما نیازی ندارد و بهره‌ای نمی‌برد. اما آیا شما نیز به منافع اعمال صالح نیای ندارید و از آن بهره‌ای نمی‌برید؟ در حقیقت، عمل برای شما و به نفع شما تجویز شده است نه برای خدا، پس شما به اعمال نیاز دارید نه به خدا. در یک مثال اینگونه بفهمید که اگر یک پزشک، به خاطر ترحم و مهربانی برای بیماری نسخه‌ای تجویز کند اما آن بیمار از روی نادانی و دشمنی با خویش آن داروها را کنار بگذارد و بگوید از خوردن این دارو به پزشک چه سودی می‌رسد؟ بلازده! اگر پزشک سودی نمی‌برد اما برای تو مفید است و برای بیماری تو تجویز شده است!

یک اشتباه که مخصوص بعضی از علماء بی عمل است اینگونه می‌گویند:

«مردم را موعظه و ارشاد می‌کنیم و پاداش اعمال آنها به ما می‌رسد و تعداد آنها به قدری است که کفاره گناهان ما می‌گردد یا اینکه ما اعمالی سراغ داریم که بوسیله آنها گناهان زیاد بخشوده می‌شود مانند اینکه روزانه یکصد مرتبه «سبحان الله و بحمده» بگوئیم، یا روزه عرفه و عاشورا یا طواف کعبه و غیره...»

سروران! حق است که اگر این اعمال کافی باشند پس لازم می‌آید که همه اوامر و نواهی لغو و بیهوده باشد. و از طرفی دیگر در حدیث این

شرط آمده که این اعمال وقتی کفاره گناهان (کوچک) قرار می‌گیرند که انسان از کبائر (گناهان بزرگ) اجتناب کند. اما در مورد موعظه و ارشاد مردم باید دانست که این یک مسئولیت خطیر است و در حدیث برای واعظان بی عمل، کیفرهای سختی آمده است که معروف و مشهور است.

اشتباه دیگر مربوط به برخی از صوفیان جاهل است که می‌گویند: ما بوسیله ریاضات و مجاهدات به مقام فنا رسیده‌ایم وجود ما در ذات خداوند به گونه‌ای فنا شده است که ما دیگر وجودی نداریم هر چه می‌کند خدا می‌کند و از این قبیل اقوال کفرآمیز دیگر مانند اینکه خدا را به دریا و خود را به قطره تشبیه می‌کنند.

و گاهی می‌گویند یک قطره پیشاب آب دریا را نجس نمی‌کند و گاهی می‌گویند: ما خود به مقام خدایی رسیده‌ایم حالا طاعت و معصیت از چه کسی؟ یا اینکه می‌گویند هدف اصلی یاد خدا است و عبادات ظاهری مانند نماز و روزه بهانه‌ای هستند که بنابر مصلحت تعیین شده‌اند. اعاذنا الله منهم.

در واقع مهمترین عامل این خرافات، جهالت و نادانی است، این افراد از عرفان و سلوک چیزی نمی‌دانند و این پندارها بر اثر غلو در توحید پدید آمده است. انشاءالله در این زمینه رساله‌ای با تفصیل نگاشته خواهد شد.

در اینجا به طور اجمال عرض می‌کنیم که هیچکس از رسول الله ﷺ عارف‌تر و موحدتر نخواهد بود و هیچ فردی علم بالاتری از دانش صحابه رضی الله عنهم حاصل نخواهد کرد، با در نظر داشتن احوال

آن‌ها از قبیل: خوف و خشیت و توبه و استغفار، جدیت در تحصیل علم و انجام عبادات و پرهیز از گناهان این شبهات واهی دفع خواهد شد.

